نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال شانزدهم - شماره ۷۱۲- یک شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲ -۸ صفحه - ۵۰۰ تومان

استاندار تحمیلی، بانی مرگ جنبش اعتدال گرایی در بوشهر

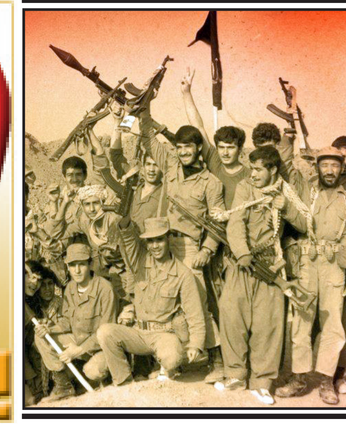
ابوالحسن گنخکی

صفحه۳

ویژه هفته دفاع مقدس

«فاتح بستان و سوسنگرد» که «تنگه ی چزابه» معراج او شد

صفحه۴ و ۸





گزینه اصلح و مورد اجماع نیروهای اصلاح طلب و حامیان دکتر روحانی

بیانیه ۹۲ نفر از اعضای هیات علمی و اساتید دانشگاه های استان بوشهر

اجماع عمومی برای استانداری تبادار

۳ خلیل موحد

در نسبت میان وسیله و هدف

۵ مهرداد محمدپور

بوشهر نیازمند چه نوع مدیریتی است؟!

۵

فاجعه آموزشی در بوشهر

رتبه اسف بار بوشهر در کنکور سراسری در چهار سال گذشته

۸ رضا سیاوشی

در قربانی شدن شاهین همه مقصرند

نسیم جنوب
خبر
شماره ۷۱۲- یک شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

بیانیه مجمع مشورتی اصلاح طلبان و حامیان دکتر روحانی در استان بوشهر:

تبادار گزینه اصلح و مورد اجماع نیروهای اصلاح طلب و حامیان دکتر روحانی برای استانداری بوشهر

مجمع مشورتی اصلاح طلبان بوشهر در بیانیه ای خطاب به وزیر کشور، مهندس اسماعیل تبادار را به عنوان گزینه اصلح و مورد اجماع نیروهای اصلاح طلب و حامیان دکتر روحانی برای استانداری بوشهر معرفی کرد. متن این بیانیه به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر رحمانی فضلی وزیر محترم کشور

با سلام و ادای احترام ضمن تبریک حسن اعتماد جناب آقای دکتر روحانی به جناب عالی به استحضار می رساند: حضور گسترده و مسئولانه مردم سرافراز ایران در انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب جناب آقای روحانی که به حق حماسه ای سیاسی لقب گرفت، بیش از هر چیز تأکید بر احساس نیاز عمیق به ایجاد تغییر در ارکان مختلف مدیریتی کشور بود و این نکته بارها مورد تأکید رئیس جمهور محترم نیز واقع شده است که رأی مردم به ایشان، رأی به «تغییر» بوده است.

از آنجا که وعده های دکتر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری، اعتقاد به خردورزی، شایسته سالاری، عقلانیت و اعتدال در اداره مملکت و امور اجرائی کشور بوده است، ضروری است تا در انتصاب استانداران، نه تنها از نیروهایی وفادار به این اعتقادات و همسو با برنامه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ... دولت استفاده شده، که این افراد توانایی، تجربه و صلاحیت احراز این پست را نیز دارا بوده و از مقبولیت کافی در بین مردم برخوردار باشند تا بتوانند به شکلی شایسته و بایسته برنامه ها و شعارهای دولت محترم و انتظارات و مطالبات توسعه‌ای مردم را در استان های کشور برآورده سازند.

لذا مجمع مشورتی اصلاح طلبان و حامیان دکترروحانی در استان بوشهر، پس از مراجعه، مشورت و جمع بندی نظرات اعضای ستادهای دکتر روحانی در انتخابات، صاحب نظران سیاسی حامی دولت، استادان و نخبه گان دلسوز دانشگاه ها و اقشار مختلف مردم آگاه استان بوشهر، اعلام می دارد که با توجه به سوابق ارزنده در عرصه های مختلف مدیریتی، جناب آقای مهندس اسماعیل تبادار را که علاوه بر توان اجرایی بسیار بالا از منش انسانی و اسلامی والا و نیز وجهه و محبوبیت مردمی کافی نیز برخوردارند، به عنوان گزینه اصلح و مورد اجماع نیروهای اصلاح طلب و حامیان دکتر روحانی برای استانداری بوشهر معرفی می نماید و ضمن اعلام حمایت همه جانبه از نامبرده در اجرای برنامه های اعتدال گرایانه دولت محترم، از حضرت عالی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران و هیات محترم دولت انتظار دارد با انتخاب ایشان به عنوان استاندار بوشهر، برای اجرای برنامه ها و مطالبات دولت اعتدال و تدبیر در استان بوشهر، گامی اساسی و عملی برداشته شود.

مجمع مشورتی اصلاح طلبان و حامیان دکتر روحانی در استان بوشهر

سیدحسن معروف، عضو اتاق ایران مطرح کرد:

گمرک بوشهر و توقیف غیرقانونی کالاهای مردم/ آقای دادستان! پیگیری کنید



نگارنده قصد ندارد در خصوص تخلفات رخ داده چند وقت اخیر در گمرک بوشهر و کم و کیف و ریشه ها و ماهیت آن به دلایل ذیل چیزی بگوید:

۱) در شرایط حال حاضر بیان هر اتفاق ناگواری می تواند به امید مردم که از پس چندین سال دشوار و پر مخاطره حاصل آمده است لطمه بزند. به اعتقاد حقیر مسئولین وظیفه دارند حتی المقدور کشف و پیگیری مصایب وارد آمده بر کشور را در یک فضای آرام و بدون آن که آرامش روحی و روانی مردم را برهم بزند به سرانجام برسانند. فعلا دوران بازیابی روحی و روانی ملی و به تعبیر علم پزشکی زمان ریکاوری مردم ایران است و همه ما مکلفیم که از وارد آمدن هر گونه ضربه ی خرد کننده به روان ملت جلوگیری کنیم. خبرهای تکان دهنده از حیف و میل های مالی در شرایط فعلی، هر چند که ربطی به زمان استقرار دولت یازدهم ندارد، اثری جز خالی کردن دل مردم از امید و جری شدن کسانی که دنبال تحصیل مال سهل الوصول و نامشروع بوده و تحقق آن را نه آمال و آرزو که عین واقعیت می بینند نخواهد داشت.

متاسفانه مکرر شدن و بزرگ شدن سوء استفاده های مالی، به خصوص در سالهای اخیر، موجب فروریزی قبح تخلفات شده و روز به روز هم به ارقام آن افزوده می شود. همانگونه که در فرمایشات ائمه معصومین (علیهم السلام) هم آمده است، مکرر شدن معاصی از قبح آنها کاسته و موجب فراگیری آن خواهد شد. متاسفانه آنچه که از اختلاس و ارتشاء و فساد مالی منتشر شده و می شود، حاصلی جز افول اخلاقی بیشتر جامعه به دنبال نخواهد داشت.

۲) با توجه به این که موضوع علی الظاهر در حال طی کردن مراحل قضایی است، لازم است که تا مشخص شدن نتایج بررسی های حقوقی و قضایی و به جهت جلوگیری از قضاوت عجولانه و خدای ناخواسته تضییع حقوق افراد و افتادن در ورطه پر خطر حق الناس، فعلا از هرگونه اظهار نظر شتابزده پرهیز گردد.

لذا بررسی مفصل ماجرا را به آینده واگذاشته و تنها به ذکر یک نکته مهم در این خصوص و در انتها یک درخواست از مقامات محترم قضایی استان بسنده می کنم.

۱) متاسفانه گمرک محترم بوشهر بر خلاف اصول ۲۲ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ قانون اساسی و نیز مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی و ماده ۷ قانون امور گمرکی، با تنظیم یک صورت دست نویس از صاحبان کالایی که در مظان اتهام بوده (تحت عنوان لیست سیاه) و تا این لحظه حتی بر علیه آنها اعلام جرمی هم صورت نگرفته و اعلام همین صورت غیرقانونی به کلیه گمرکات کشور، از خروج کالاهای آنها (که به تازگی با پرداخت کامل حقوق ورودی و طی تشریفات گمرکی موفق به دریافت پروانه ورود قطعی شده اند) خودداری می نماید.

بنابر صریح ماده ۷ قانون امورگمرکی مصوب سال۱۳۹۰خورشیدی، گمرک تنها اجازه دارد کالاهای موجود در گمرک را وثیقه پرداخت کلیه وجوه متعلقه به آن کالا و سایر بدهی های قطعی (دقت به واژه قطعی بسیار حایز اهمیت است، چرا که قطعی شدن بدهی یک صاحب کالا مستلزم طی تشریفات قانونی خاصی است و عموم صاحبان کالایی که فعلا از خروج کالایشان از گمرک ممانعت به عمل می آید فاقد بدهی قطعی شده ای به گمرک هستند) صاحب کالا بابت وجوهی که وصول آن به موجب قانون بر عهده گمرک است قرار بدهد.

لذا توقیف اموال و مال التجاره مردم به صرف یک ادعای اثبات نشده به هیچ وجه وجاهت قانونی نداشته و دخالت آشکار در حوزه مسئولیت های قوه ی محترم قضاییه است.

متاسفانه هم اکنون مقادیر زیادی کالای واحدهای تولیدی کشور به این طریق در گمرک بوشهر و بندرعباس در توقیف غیرقانونی گمرک است. البته از دولتی که به حق مدعی اعاده قانون گرایی به تمامی سطوح اجرایی و اجتماعی کشور است انتظار می رود که ضمن صدور دستور توقف این بدعت کاملا خلاف قانون، با آمرین آن نیز به شدت برخورد نماید.

۲) انتظار صاحبان کالا از مقامات عالی قضایی کشور و استان به خصوص دادستان محترم شهرستان بوشهر نیز آن است که همانگونه که تا به امروز به عنوان ملجا و پناه مردم پاسدار حقوق مردم و قوانین مصوب بوده اند، در این مقوله نیز با تمسک به بندهای ۲ و ۳ و ۵ از اصل ۱۵۶ و نیز اصل ۱۷۰ قانون اساسی، با تخطی آشکار گمرک بوشهر، به جهت پیشگیری از عرفی شدن یک رویه نادرست که هیچگونه مستند قانونی ندارد، برخورد مناسب و مقتضی به عمل آورند.

امروز از رهگذر این رویه خلاف قانون و مقررات، دعاوی متعددی در دادگستری بوشهر به صورت مجزا طرح شده است که در صورت متوقف کردن آن ضرورتی به طرح آنها و تضییع وقت پر تراکم و پر ارزش محاکم نبود.

توقیف بلاوجه و دلیل مواد و مصالح اولیه واحدهای تولیدی، علاوه بر آن که زیان سنگینی را از قبل خواب سرمایه و هزینه های زیاد انبارداری و توقف کانتینر متوجه صاحب کالا می کند، بلکه به عنوان هزینه مبادله خود را در قیمت نهایی محصول نیز نشان داده و النهایه از جیب مردم به عنوان مصرف کننده نهایی پرداخت خواهد شد. مضافا به اینکه در شرایط تحریمی حال حاضر، بازار مصرف را هم با کمبود کالا مواجه خواهد ساخت. لذا از ریاست محترم دادگستری استان و نیز دادستان محترم شهرستان بوشهر عاجزانه خواهشمندم که با قاطعیت لازم در این فقره ورود کرده و با استعانت از وظیفه پیشگیری، مذکور در بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی از تضییع حقوق مردم جلوگیری فرمایند.

فرمانده سپاه امام صادق استان بوشهر:

بوشهر ششمین استان درگیر مستقیم در جنگ تحمیلی



فرمانده سپاه امام صادق استان بوشهر گفت: استان بوشهر به‌عنوان ششمین استان درگیر مستقیم در جنگ تحمیلی اعلام شده است.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، سردار فتح‌الله جمیری در نشست با خبرنگاران با گرامیداشت هفته دفاع مقدس گفت: دفاع مقدس، دفاعی جانانه، و نشان دهنده رشادت و جانبازی و استقامت ملت غیور ایران است.

وی ضمن قدردانی از رشادت‌های مردم بوشهر در ۸ سال جنگ تحمیلی، خاطرنشان کرد: بوشهر به عنوان استانی مرزی در دوران دفاع مقدس در تمامی ابعاد هوایی، پدافند، دریایی و زمینی با نیروهای سپاه، بسیج و ارتش توانست کارنامه درخشانی از خود به یادگار بگذارد.

فرمانده سپاه امام صادق استان بوشهر از استان بوشهر به‌عنوان ششمین استان درگیر مستقیم در جنگ تحمیلی نام برد و تصریح کرد: طبق آمار منتشره پنج استان کردستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان و آذربایجان غربی به صورت مستقیم در جنگ حضور داشتند و استان بوشهر ششمین استان در نبردهای مستقیم در دفاع مقدس بود که جزیره خارک نماد این مقاومت است.

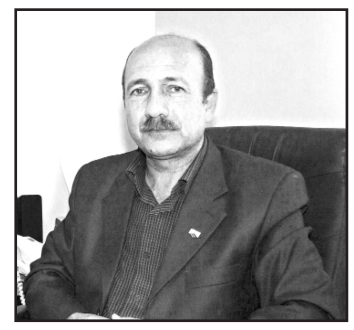
نفتی ها یک ریال هم به شهرداری کنگان کمک نکرده‌اند

شهردار کنگان گفت: شرکت‌های نفت و گاز یک ریال هم به شهرداری کنگان کمک نکرده‌اند. عبدالله حسینی کنگانی خاطرنشان کرد: توسعه امکانات در مناطق و محلات مختلف بندر کنگان در دستور کار قرار دارد و امیدوار هستیم که رضایت خاطر مردم در نقاط مختلف را فراهم کنیم. شهردار کنگان با بیان اینکه شرکت‌های نفت و گاز یک ریال هم به شهرداری کنگان کمک نکرده‌اند افزود: طی شش سالی که بنده به عنوان شهردار کنگان فعالیت می‌کنم، حتی یک ریال از جانب شرکت‌های منطقه برای عمران شهری به شهرداری کنگان کمک نشده است.

وی گفت: با این وجود برخی‌ها در بوق و کرنا، فریاد پایتخت انرژی و کمک‌های میلیاردی شرکت‌ها به شهرداری کنگان را سر می‌دهند.

مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر:

انتظار می رود تقویت محور مسکن در اولویت برنامه های وزیر راه و شهرسازی قرار گیرد



۲۴ خردادماه سال جاری، صفحه ی درخشان دیگری در کتاب تاریخ ایران ورق خورد و حماسه ملی مردمی رقم خورد که همواره کوشیده دست بیگانگان را از دامن کشورشان کوتاه سازند. با آغاز بکار دولت تدبیر و امید، با انتخاب شایسته رئیس جمهور و رای اعتماد نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دکتر آخوندی وزارتخانه راه و شهرسازی را از مهندس نیکزاد تحویل گرفت. مهندس علیرضا سنائی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار نسیم جنوب، ضمن سپاس از زحمات مهندس نیکزاد و تبریک به دکتر آخوندی، دیدگاه های خود را در خصوص سیاست های دولت یازدهم در حوزه مسکن عنوان نمود:

– در ابتدا بفرمایید دیدگاه های دکتر آخوندی را در زمینه های ساخت و ساز و مسکن چگونه می بینید؟

– با توجه به اینکه دکتر آخوندی در زمینه مسکن سابقه وزارت را داشته است، لذا دیدگاه های وی تاکید بر روند طی شده توسط ایشان در گذشته است و آن واگذاری ساخت و ساز و تهیه مسکن به خود مردم است که طرح پاک (پس انداز انبوه سازی و کوچک سازی) از اهم آن می باشد.

– به عقیده ی شما وزیر جدید راه و شهرسازی چگونه می تواند از بخش های خصوصی و مردم نهاد حمایت نماید؟

– اگر منظور نهادهائی مثل سازمانهای نظام مهندسی، انبوه سازان و ... باشد طبیعتاً حمایت از اجرای قوانین کنترل و نظام مهندسی ساختمان توسط سازمانها اولین حمایت در این زمینه می باشد. چرا که در حال حاضر جهت اجرای مباحث ۲۱گانه، مقاومت هایی از طرف بعضی ارگانها ابراز می شود. تقویت و اصلاح قوانین مربوط نیز با نظر مشورتی سازمانها، راه دیگر حمایت می باشد.

– فکر می کنید وضعیت مسکن مهر در دولت جدید چگونه می شود؟

– طبیعتاً با توجه به سرمایه گذاری انجام شده در زمینه مسکن مهر، عدم تکمیل پروژه های مربوطه، به هیچ عنوان به مصلحت نمی باشد و نظر به اظهار رئیس جمهور و وزیر راه و شهرسازی، سیاست دولت یازدهم نیز به موازات اعمال سیاست های مورد نظر، تکمیل پروژه های مسکن مهر می باشد.

– انتظار مردم در دولت تدبیر و امید پایین آمدن نرخ مسکن است. آیا وزیر جدید راه و شهرسازی می تواند این امر را محقق کند؟

– نظر به توقف سیر صعودی افزایش قیمت مسکن و اعتماد بازار به سیاست های دولت یازدهم و کاهش نرخ ارز پس از آغاز بکار دولت دکتر روحانی، در صورت اعتماد به خرد جمعی و اعمال سیاست های همه جانبه در این زمینه، مطمئناً کاهش نرخ مسکن امکان پذیر خواهد بود. چرا که هم اکنون نیز تعداد خانه های موجود در اکثر شهرها از تعداد متقاضیان بیشتر می باشد.

– با توجه به اینکه آخوندی از بانیان تاسیس قانون نظام مهندسی و عضو شورای مرکزی دوره پنجم نیز بوده است، آیا می توان انتظار داشت جایگاه نظام مهندسی با تدابیر وی، ارتقاء یابد؟

– در حال حاضر بیش از ۲۵۰ هزار نفر عضو سازمانهای نظام مهندسی ساختمانها



کشور هستند. بدیهی است این مجموعه است که ساخت و ساز بخش خصوصی و وظیفه پیاده کردن قوانین مربوط را به عهده دارد. لذا حمایت از آن و ارتقاء جایگاه نظام مهندسی بعنوان یکی از محورهای اصلی برنامه های وزیر محترم می بایست باشد.

– با توجه به اینکه قانون نظام مهندسی در سال ۷۴ در مجلس به تصویب رسید و پس از گذشت این همه سال هنوز با مشکلاتی روبروست، فکر می کنید دکتر آخوندی در دوره وزارت خود این قانون را بازنگری خواهد نمود؟

– همانطور که می دانید قانون در مجلس تصویب می شود و اصلاح و تغییرات نیز به عهده آن می باشد در حال حاضر نیز طی اطلاعاتی که بنده دارم، بعضی از مواد قانون در دستور تغییر قرار دارد. لکن با توجه به تجربیات اخیر دکتر آخوندی و حضور ایشان در شورای مرکزی دوره پنجم می توان امیدوار بود در اصلاح آئین نامه ها و علی الخصوص مباحث و ماده ۳۳ نیز تغییرات مثبتی در آینده نزدیک شاهد باشیم.

– در پایان بفرمایید انتظارات کلی شما از سکان دار راه و شهرسازی کشور چیست؟

– می بینیم که ادغام دو وزارت راه و مسکن اقدام موفقی نبوده است و تضعیف محور مسکن را باعث شده است. لذا اصلاح این وضعیت و تقویت محور مسکن می بایست در اولویت قرار گیرد و رونق ساخت و ساز از اولین انتظارات ما می باشد که در کنار آن برنامه ریزی جهت افزایش حضور متخصصین در امر اجرا از مهمترین موارد مورد انتظار است.

در نهایت ضمن آرزوی توفیق جهت دولت یازدهم، امیدوارم آقای دکتر آخوندی وزیر راه و شهرسازی در برنامه های مدنظر موفق باشند.

الحاق استان فارس به دریا سه روز قبل از رفتن احمدی نژاد ، مصوبه ای در ابهام

در حالی که مشاور استاندار فارس از مصوبه اتصال فارس به خلیج فارس از طریق هرمزگان خبر داده است، اما نماینده مردم پارسیان، بستک، بندرلنگه و بندرخمیر در مجلس ضمن تکذیب این مطلب گفته است که تا کنون هیچگونه مصوبه‌ای جهت جداسازی بخشی از شهرستان پارسیان و الحاق آن به استان فارس وجود ندارد.

مصوبه اتصال فارس به خلیج فارس سه روز قبل از پایان دولت احمدی نژاد

مشاور استاندار فارس در امور سرمایه گذاری و صنعت گفت: مصوبه اتصال فارس به خلیج فارس بالاخره امضا شده و به زودی نیز ابلاغ خواهد شد.

به گزارش مهر؛ غلامحسین شعرا افزود: با پیگیری های مکرر استاندار فارس، مصوبه الحاق فارس به خلیج فارس سه روز قبل از پایان دولت دهم توسط دکتر احمدی نژاد امضا شد و خوشبختانه اکنون این مصوبه به عنوان مصوبه شورای عالی امنیت ملی به تائید مقام معظم رهبری نیز رسیده است.

وی با بیان اینکه مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید مقام معظم رهبری قابل اجراست، گفت: بر اساس این مصوبه آبراهه ای به عرض ۳۷ کیلومتر در حد فاصل مرز لامرد و هرمزگان به استان فارس اختصاص یافته است.

مشاور استاندار فارس در امور سرمایه گذاری و صنعت که با مهر گفتگو کرده، افزود: بر این اساس فارس می تواند در محدوده یاد شده به ساخت اسکله بپردازد و پس از آن محصولات صادراتی فارس از طریق اسکله های فارس به خارج از کشور صادر خواهد شد.

به گفته وی گرچه نمایندگان بوشهر و هرمزگان برای امضا مصوبه اتصال فارس به خلیج فارس واکنش نشان دادند اما پیگیری های استاندار فارس سبب شد تا این آرزوی دیرینه استان فارس دو بار در جلسه هیات دولت مطرح شود و بالاخره به تصویب هیات وزیران برسد.

شعرا بیان کرد: به زودی مصوبه اتصال فارس به خلیج فارس ابلاغ خواهد شد.

واکنش نماینده هرمزگان به الحاق فارس به خلیج فارس: هیچگونه مصوبه‌ای برای الحاق و انتزاع بخش‌های از هرمزگان وجود ندارد



نماینده مردم پارسیان، بستک، بندرلنگه و بندرخمیر در مجلس گفت: تا کنون هیچگونه مصوبه‌ای جهت جداسازی بخشی از شهرستان پارسیان و الحاق آن به استان فارس نداشته‌ایم.

احمد جباری در گفتگو با مهر در مورد انتشار خبری مبنی‌بر الحاق ۳۷ کیلومتر از مرز میان لامرد و هرمزگان به استان فارس جهت بهره‌مندی این استان از دریا بیان داشت: این موضوع از زمان دولت کارگزاران، اصلاحات و تا دولت نهم و دهم توسط نمایندگان استان فارس پیگیری می‌شد و موضوع تازه‌ای نیست.

وی با بیان اینکه مجمع نمایندگان استان هرمزگان هیچگونه مصوبه‌ای در این مورد دریافت نکرده است، اظهارداشت: خداوند به هر استانی موهبتی اعطا کرده است و نباید با رفتارهای سیاسی و تفکرات غیر اصولی موجب تنش و ایجاد التهابات سیاسی و مذهبی در مناطق مختلف کشور شد.

جباری با اشاره به دیدار اعضای مجمع نمایندگان هرمزگان در مجلس با دکتر روحانی رئیس جمهور و جهانگیری معاون اول رئیس جمهور، تصریح کرد: موضوع الحاق و انتزاع بخش هایی از استانها در هفته‌های اخیر توسط نمایندگان استان هرمزگان پیگیری شد و رئیس جمهور و معاون اول رئیس جمهور نسبت به این موضوع و مصوبه ابراز بی اطلاعی کرده اند.

وی با اظهار اینکه هیچگونه مصوبه‌ای برای الحاق و انتزاع بخش‌هایی از هرمزگان وجود ندارد، عنوان کرد: دکتر حسن روحانی رئیس جمهور ایران اعلام کردند هیچگونه مصوبه‌ای با موضوعیت الحاق و انتزاع بخشی از استان هرمزگان به شورای عالی امنیت ملی نیامده است.

نماینده مردم غرب هرمزگان در مجلس با بیان اینکه از سرمایه‌گذاری استان‌های همجوار در هرمزگان استقبال خواهیم کرد، افزود: تنها مصوبه‌ای با موضوعیت سرمایه گذاری و بهره گیری استانهای همجوار از ظرفیت‌های همدیگر به دولت و شورای عالی امنیت ملی ارائه شده‌است. در این مصوبه استانها می‌توانند در حوزه های مختلف با توجه به نیاز خود و ظرفیت های موجود در استانهای همجوار سرمایه گذاری کنند. فارسی ها به جای طرح اینگونه مسائل غیرکارشناسی می توانند با سرمایه گذاری در هرمزگان از ظرفیت های موجود استفاده کنند.

وی اضافه کرد: متاسفانه طرح و پیشنهادی مبنی‌بر الحاق و انتزاع بخشهایی از برخی از استان‌ها در اواخر دولت احمدی نژاد از سوی وزارت کشوربه هیئت دولت ارسال شد ولی تا کنون این مصوبه به تایید نرسیده است. جباری در ادامه با اشاره به جلسه‌ای که مهر ماه امسال نمایندگان مردم هرمزگان در مجلس با معاون اول رئیس جمهور و وزیر کشور خواهند داشت، افزود: در این جلسه هم موضوع را به طور جد پیگیری خواهیم کرد و اطمینان خواهم داد موضوع جداسازی با شرایطی که عنوان شده محقق نخواهد شد.

وی مطرح کرد: در گذشته نمایندگان استان فارس تقاضای الحاق ۳۰ کیلومتر از منطقه بدون سکنه حد وسط استانهای بوشهر و هرمزگان را داشتند که با مخالفت جدی نمایندگان استانهای هرمزگان و بوشهر روبرو شد.

سرجنوب
مقاله
شماره ۷۱۲- یک شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

بیانیه ۹۲ نفر از اعضای هیات علمی و اساتید دانشگاه های استان بوشهر:

پیشنهاد مهندس تبادار

به عنوان گزینه اصلح و شایسته برای تصدی استانداری بوشهر



به نام خدا
محضر گرامی مقام عالی وزارت کشور
جناب آقای دکتر رحمانی فضلی

با سلام، ابتدا اعتماد دولت یازدهم به شما در واگذاری مسوولیت وزارت خطیر کشور و رای اعتماد بالای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به جنابعالی تبریک عرض نموده و برای آن بزرگوار آرزوی توفیق می نماییم.

حماسه ۲۴ خرداد ۹۲ که منجر به انتخاب جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر روحانی شد، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی حماسه سیاسی لقب گرفت و بنا به تأکید معظم‌له ضروری است با هدف گذاری مناسب و اراده شکل گرفته از رای ملت با حماسه اقتصادی تکمیل گردد. بر همگان روشن است که رای مردم بر اساس برنامه ها و شعارهای انتخاباتی ریاست محترم جمهور، رای به خردورزی، شایسته سالاری، عقلانیت و اعتدال بوده است، بدینسان هم‌اکنون و در مرحله استقرار و اجرای برنامه های دولت محترم انتظار می‌رود که شعارهای دولت محترم در همه برنامه ها و تصمیم گیری ها ساری و جاری شده و بدانها جامه عمل پوشانده شود، بگونه‌ای که آحاد مردم آثار آن را در زندگی اجتماعی و اقتصادی خود احساس نمایند. شکی نیست حضرتعالی به عنوان مقام عالی کلیدی‌ترین وزارتخانه‌های کشور در اجرای مؤثر این برنامه‌ها و تحقق انتظارات مردم و همچنین جهت‌گیری در راستای تحقق حما سه اقتصادی نقشی تعیین‌کننده را دارید. لذا با عنایت به مسوولیت خطیری که جنابعالی در فرآیند پیشنهاد و انتصاب استانداران در هیات محترم دولت دارید، ما جمعی از اعضای هیات علمی و اساتید دانشگاه های استان بوشهر بنا به تعهدی که در ایفای نقش سازنده جامعه علمی کشور در شکل‌گیری امیدآفرین حماسه اقتصادی داشته و بر اساس درک عمیق از شرایط کشور و حساسیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، توسعه ای وبین‌المللی جناب آقای مهندس اسماعیل تبادار را بنا به دلایل ذیل به عنوان گزینه اصلح و شایسته برای تصدی استانداری استان بوشهر پیشنهاد نموده و حمایت همه جانبه خود را از نامبرده در اجرای برنامه های اعتدال گرایانه دولت محترم اعلام می نماییم :

۱) تجربه حضور آقای مهندس تبادار در سطوح مختلف مدیریتی و اجرایی وزارت کشور از ایشان فردی خوشنام، بسیار مجرب، با مدیریتی مدبرانه ساخته است که مردم این استان خاطرات خوبی از عملکرد قوی، توسعه گرایانه و موفق ایشان در مسند استانداری بوشهر در گذشته در ذهن داشته و بر همین اساس اکثریت مطلق مردم استان بوشهر با گرایش های متنوع سیاسی از این انتصاب استقبال نموده و خواهان توجه دولت تدبیر و امید به این خواسته خود هستند. بدون تردید یک نظر سنجی ساده موید این امر خواهد بود.

۲) عملکرد آقای مهندس تبادار در همه مناصب مدیریتی به ویژه تجربه استانداری بوشهر همواره گویای رفتاری معتدل، توسعه گرایانه و با تاکید بر حمایت از تولید، کارآفرینی، توسعه زیرساختی و توسعه علمی و فناوری و توجه به سرمایه انسانی بوده است. تجربه نشان می‌دهد ایشان همواره از ورود به حاشیه سازی های سیاسی به دور بوده و در عین امانت داری، درستکاری و پشتکار هیچ دغدغه ای غیر از پایبندی به باورهای اعتقادی و دینی، توجه به منافع ملی و توسعه استان در راستای مصالح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نداشته است.

۳) قریب به اتفاق جامعه دانشگاهی استان بوشهر بر اساس همین درک مشترک معتقد است با توجه به چالش‌های پیشروی کشور و ضرورت توجه جدی به توسعه پایدار همه جانبه و دانایی محور، آقای مهندس تبادار قادرند به شکلی شایسته و بایسته برنامه ها و شعارهای دولت محترم و انتظارات و مطالبات توسعه‌ای مردم در استان بوشهر را برآورده سازد. بنابراین از جنابعالی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران و هیات محترم دولت انتظار می‌رود با انتخاب ایشان به عنوان استاندار بوشهر، شیرینی و حلاوت این انتخاب فرخنده مردم در ۲۴ خرداد ماه را دو چندان فرمایند.

در پایان از خداوند بزرگ برای جنابعالی و دولت تدبیر و امید در اجرای برنامه ها و مطالبات به حق مردم آرزوی توفیق روز افزون می نماییم.

اعضای هیات علمی و اساتید دانشگاه های استان بوشهر

لیست اسامی اعضای هیات علمی و اساتید دانشگاه های استان بوشهر در جهت حمایت از استانداری مهندس تبادار

۱ . دکتر رضا آذین	دانشگاه خلیج فارس
۲ . دکترسوسن آقا جان بگلو	دانشگاه پیام نور
۳ . دکتر ناصر آل اسحاق	دانشگاه علوم پزشکی
۴. دکتر عبدالله آورا	دانشگاه خلیج فارس
۵. دکتر حمید اسدپور	دانشگاه خلیج فارس
۶. دکتر کتایون وحدت	دانشگاه علوم پزشکی
۷. دکتر حسین اسکندری	دانشگاه خلیج فارس
۸. دکتر محمود افشاری	دانشگاه خلیج فارس
۹. دکتر سید سجاد اقبالی	دانشگاه علوم پزشکی
۱۰. دکتر سحر الماسی	دانشگاه خلیج فارس
۱۱. دکتر سید نورالدین امیری	دانشگاه خلیج فارس
۱۲ .دکتر محمد امیری	دانشگاه علوم پزشکی
۱۳ .دکتر پرویز باورصاد	دانشگاه خلیج فارس
۱۴. دکتر عباس برزگرزاده	دانشگاه آزاد اسلامی
۱۵ . دکتر پرویز بزی	دانشگاه علوم پزشکی
۱۶. دکتر محمد بهروزی	دانشگاه آزاد اسلامی
۱۷ . دکتر حجت پارسا	دانشگاه خلیج فارس
۱۸. دکتر علی پاکیزه	دانشگاه خلیج فارس
۱۹. دکتر محمد رضاپوربهی	دانشگاه علوم پزشکی
۲۰. دکتر علی پولادی ریشهری	دانشگاه پیام نور
۲۱. دکترمحمود جمهیری	دانشگاه آزاد اسلامی
۲۲. دکتر پرویزحاجیانی	دانشگاه خلیج فارس
۲۳. دکتر ابراهیم حیدری	دانشگاه خلیج فارس
۲۴.دکتر جهانگیر حیدری	دانشگاه خلیج فارس
۲۵. اقای اکبر حیدری	دانشگاه آزاد اسلامی
۲۶ .آقای احمد خلیفه	دانشگاه آزاد اسلامی
۲۷. آقای علی درویشی	دانشگاه خلیج فارس
۲۸ . دکتر سعید رسولی	دانشگاه خلیج فارس
۲۹. دکتر علی رسولی	دانشگاه خلیج فارس
۳۰ . دکتر مهدی رضایی	دانشگاه خلیج فارس
۳۱ . دکتر نصرت رفاهی	دانشگاه علوم پزشکی
۳۲. دکتر سید جواد رکابپور	دانشگاه علوم پزشکی
۳۳.دکتر پرویز رمضانی	دانشگاه علوم پزشکی
۳۴ . نادر رمضانیان	دانشگاه علوم پزشکی
۳۵ . مهندس داریوش رنجبر	دانشگاه علوم پزشکی
۳۶ .دکتر علی رییسی	دانشگاه علوم پزشکی
۳۷ .دکتر قاسم زارع	دانشگاه خلیج فارس
۳۸ .دکتر مسلم زمانی	دانشگاه خلیج فارس
۳۹ . دکتر حبیب الله سعیدی نیا	دانشگاه خلیج فارس
۴۰ . دکتر قاسم سلیمی	دانشگاه خلیج فارس
۴۱ . دکتر عبد الرضا سملی	دانشگاه علوم پزشکی
۴۲ . دکتر ملیکا شجاعی	دانشگاه علوم پزشکی
۴۳ . دکتر حیدر شیرازی	دانشگاه خلیج فارس
۴۴. دکتر احمد شیرزادی	دانشگاه خلیج فارس
۴۵ . دکتر حسین صالحی	دانشگاه علوم پزشکی
۴۶ .دکتر حسن صالحی	دانشگاه علوم پزشکی
۴۷.دکتر مجتبی صداقت جو	دانشگاه خلیج فارس
۴۸. دکتر محمد علی صنعتی	دانشگاه خلیج فارس
۴۹. دکتر سعید طهماسبی	دانشگاه خلیج فارس
۵۰. دکتر سیروس عباسی	دانشگاه علوم پزشکی
۵۱. دکتر عباس عباسی	دانشگاه خلیج فارس
۵۲ .آقای پرویز عضدی	دانشگاه علوم پزشکی
۵۳. دکتر علیرضا عطایی	دانشگاه خلیج فارس
۵۴ . خانم سهیلا علوی	دانشگاه خلیج فارس
۵۵. آقای مهدی علیخانی	دانشگاه خلیج فارس
۵۶. دکتر محمد غریبی	دانشگاه خلیج فارس
۵۷. دکتر عبدالرضا فاضلی	دانشگاه علوم پزشکی
۵۸ . دکتر شکرالله فرخی	دانشگاه علوم پزشکی
۵۹. دکتر شهریار فرداد	دانشگاه علوم پزشکی
۶۰ . دکتر سعیده فیروزبخت	دانشگاه علوم پزشکی
۶۱ . دکتر علیرضا فیوض	دانشگاه خلیج فارس
۶۲. دکتر خدیجه قاسمی	دانشگاه علوم پزشکی
۶۳ . دکتر صغری قاسمی	دانشگاه علوم پزشکی
۶۴ . مهندس حسین قایدی	دانشگاه علوم پزشکی
۶۵ . دکتر روح الله قیصری	دانشگاه خلیج فارس
۶۶ . دکتر بهاره کرم زاده	دانشگاه علوم پزشکی
۶۷ .دکتر سعید کشمیری	دانشگاه علوم پزشکی
۶۸ . دکتر محمد رضا کلانتر هرمزی	دانشگاه علوم پزشکی
۶۹ . دکتر اسماعیل کمالی راد	دانشگاه آزاد اسلامی
۷۰. دکتر سید موسی گلستانه	دانشگاه خلیج فارس
۷۱ دکتر عباس لیراوی	دانشگاه علوم پزشکی
۷۲ دکتر محمد رضا ماهینی	دانشگاه خلیج فارس
۷۳. مهندس غلامرضا محسنی پور	دانشگاه خلیج فارس
۷۴. مهندس امین محمدی	دانشگاه خلیج فارس
۷۵.مهندس مهدی محمدی	دانشگاه علوم پزشکی
۷۶ . دکتر نیلوفر معتمدی	دانشگاه علوم پزشکی
۷۷ . دکتر عبد المجید مصلح	دانشگاه خلیج فارس
۷۸ . مهندس داریوش مظفری	دانشگاه خلیج فارس
۷۹ . دکتر مژگان مقرب	دانشگاه خلیج فارس
۸۰ . دکتر عبد المحمدموحد	دانشگاه خلیج فارس
۸۱ .دکتر حسین منور صادق	دانشگاه علوم پزشکی
۸۲ . دکتر سید عباس موسوی	دانشگاه خلیج فارس
۸۳ .دکتر کامران میرزایی	دانشگاه علوم پزشکی
۸۴ . دکتر ایرج نبی پور	دانشگاه علوم پزشکی
۸۵ . آقای هومن نصیری	دانشگاه آزاد اسلامی
۸۶ . دکتر محمود نفیسی	دانشگاه خلیج فارس
۸۷ . دکتر محمد کاظم نوح پیشه	دانشگاه علوم پزشکی
۸۸ . دکتر بهمن نیرومند	دانشگاه خلیج فارس
۸۹. دکتر طاهر یزدان پناه	دانشگاه خلیج فارس
۹۰. دکتر سیدجواد حسینی	دانشگاه خلیج فارس
۹۱. دکتر عباس عاشوری نژاد	دانشگاه آزاد اسلامی
۹۲.دکتر مریم پرهیزگار	دانشگاه آزاد اسلامی

استاندار تحمیلی، بانی مرگ جنبش اعتدال گرایی در بوشهر

ابوالحسن گنخکی



در جریان انتخاب وزرای پیشنهادی و در اوج شور و هیجان مراسم تحلیف ریاست جمهوری، معرفی یک چهره اصولگرا توسط دکتر روحانی برای سکانداری سیاست داخلی کشور، هواداران دولت تدبیر و امید را در بهتی غافلگیر کننده فرو برد. چه آنکه هواداران وی تصور نمی کردند وی براحتی تسلیم جوسازی نیروهای بالادستی شده و با چشم پوشی از گزینه مطلوب خود برای سمت وزارت کشور، یکی از مهم ترین کرسی های کابینه را به گروه مخالفینش بسپارد.

مخالفینی که نقشی در پیروزی روحانی نداشتند و از فردای پیروزی شروع به سهم خواهی کرده و از اهرم قدرت خود در مجلس استفاده بهینه داشته و شروع کرده بودند به خط و نشان کشیدن برای رییس جمهور جدید. گفته شد روحانی کرسی وزارت کشور را به طیف اصولگرا واگذارده تا بتواند رای بیشتری از مجلس اصولگرا برای کابینه اش بگیرد. بعدا ادعا شد وزیر کشور اختیار چندانی در انتخاب استانداران و فرمانداران ندارد و تصمیم گیرنده نهایی هیات دولت است. ناگفته نماند در همین گیر و دار معرفی وزیران پیشنهادی به مجلس، خبر رسید رییس جمهور جدید ستادهای انتخاباتی خود را بر خلاف رویه دولت قبل، تعطیل کرده و عملا بازی معرفی مسوولین محلی از جمله گزینه های استانداری به گروه هایی چون نمایندگان مجلس که از نفوذ و قدرت کافی برخوردارند واگذار شده است.

شاید ادعا شود دکتر روحانی می داند چه می کند و بر اساس مشی اعتدال گرایانه خود در حال پیشبرد امور است اما واقعیت آن است که هجوم تبلیغاتی رسانه های اصولگرا و ملاقات پی در پی نمایندگان با وزیر کشور عملا صحنه سیاست داخلی را در اختیار جناح اصولگرایی قرار داده که تا همین دیروز روحانی یکی از اخراجی های آن جناح سیاسی لقب گرفته بود. روحانی باید بپذیرد حرکت کند وی بویژه در زمینه انتخاب استانداران، بر خلاف ایجاد و شور و نشاط حاصل تسریع در معرفی کابینه به مجلس این بار باعث شده بدنه جنبش حامی وی به شدت نگران و آشفته شود. این را از دست و پا زدن های شاید بیهوده و ناامیدانه حامیان جنبش اعتدال به خوبی می توان دید. ضمن آنکه توجه با نام یکی دو استاندار انتخابی حکایت از سنگینی کفه انتخاب استانداران به سمت جناح اصولگرا دارد و همین اتفاق نیز مزید علت شده است.

در استان بوشهر اما این شوک شدیدتر به نظر می رسد. نمایندگان اصولگرای استان همدلانه گزینه های پیشنهادی خود را علنی معرفی کرده اند و با شانتاژ رسانه ای می کوشند از فرصت هم جناحی بودن با وزیر کشور بهره کافی و وافی برده و گزینه مطلوب خود را بر کرسی نمایندگی عالی دولت در استان بنشانند. تاسف بارتر آنکه گزینه های پیشنهادی نمایندگان استان جزو با کیفیت ترین چهره های اصولگرای استان نیستند و در خوشبینانه ترین حالت چهره هایی هم وزن نمایندگان و در قد و قواره آنان هستند. به عبارت دیگر گزینه های پیشنهادی نمایندگان استان برای جلوس بر کرسی استانداری بوشهر پیش از آنکه شایسته نمایندگی دولت در استان باشند برای تصدی مسوولیت های جزیی تری در سطح حوزه انتخابیه نمایندگان مجلس مناسب هستند. هر چند در دولت نهم و دهم این افراد به دلیل قلع و قمع گسترده نیروهای لایق، به مناصبی مهم دست یافتند.

بر هیچ کس پوشیده نیست که در استان و در سطح افکار عمومی اجماعی کامل بر انتخاب استاندار صورت گرفته و مردم بویژه نخبگان استان از طرق مختلف گزینه نهایی خود را به دولت و وزیر کشور معرفی کرده اند. این اجماع چنان است که شاید در تاریخ جمهوری اسلامی برای دومین بار باشد که برایند افکار عمومی و نخبگان بوشهری چه در طیف معتدل اصولگرا و چه طیف اصلاح طلب برای انتخاب استاندار و عالی ترین مقام اجرایی استان خود به نقطه مشترکی رسیده اند. هر چند در این میان طیف محدود بنیادگرایان و اصولگرایان وابسته و رادیکال استان از طریق کانال های خود از جمله نمایندگان مجلس می کوشند از طریق لابی گسترده و استفاده از اهرم های قدرت، نظر و خواسته خود را بر جمعیت انبوه بوشهری های طرفدار نیروی توانمند دیگری تحمیل کنند.

حقیقت آن است که بوشهری ها هنوز خاطره شیرین دوران خدمت استانداران دولت خاتمی را در ذهن دارند و چندان از استانداران و مدیران دولت احمدی نژاد رضایت ندارند. این را عملا و در انتخابات اخیر ثابت کردند و اکنون نیز در رسانه ها و تریبون های دیگر ابراز می دارند. بوشهری ها در انتخابات اخیر با رای خود به دکتر روحانی اعلام داشته اند که از کارنامه مدیریت اصولگرایان در استان رضایت ندارند و خواهان تغییر وضع موجود اند. قطعا تغییر وضع موجود با تغییر مدیران اصولگرای فعلی محقق خواهد شد. اینک وزیر کشور در موقعیتی قرار دارند که تصمیم ایشان درباره انتخاب استانداران می تواند محکی باشد برای سنجش اعتدال گرایی وی. مرز خدمت و خیانت همیشه باریک است و چه بسا پس از گذشت یک بازه زمانی، حقیقت هویدا شود و مشخص گردد که آنچه به عنوان خدمت در بوق کرنا شده خیانتی بیش نبوده است. آن چنان که پس از خاتمه هشت سال حاکمیت اصولگرایان بر قوه مجریه، کارنامه آنان چنین می گوید.

امید است وزیر کشور با شنیدن صدای هواداران جنبش اعتدال و توجه به مطالبه آنها نامی نیک از خود بر جای بگذارد. امروز، پنجره رو به امید بوشهری ها با کلید رحمانی فضلی گشوده می شود.

در نسبت میان وسیله و هدف

خلیل موحد



میان هدف، غایت، آمال، آرمان، رسالت و استراتژی با ابزار، وسیله، روش، شیوه، راهکار و تاکتیک، چه نسبتی حاکم است.

چنین می نماید که به حصر عقلی، در نسبت میان هدف و وسیله، چهار فرضیه قابل استنتاج باشد.

۱- هدف: ناعادلانه و غیرانسانی، ابزار: ناعادلانه و غیرانسانی.

۲- غایت: عادلانه و مشروع ، وسیله: والا و مشروع .

۳- آرمان: عادلانه و اخلاقی، روش: ظالمانه و غیراخلاقی.

۴- استراتژی: زشت و ناپسند تاکتیک: زیبا و پسندیده.

سنخ نگاه جانبدارانه و یا نگرش منفی و ناباورمندانه نسبت به درون مایه هر یک از صورت بندی های یاد شده و رفتار و کردار بر مدار هر یک از موارد چهارگانه ی مزبور، جغرافیای وجودی اشخاص، آیین ها و دسته های عقیدتی و سیاسی را در اقلیم اخلاق مشخص خواهد کرد و مفاد ضمیر ناخودآگاه آنان را نسبت به اصول بنیادین اخلاق انسانی آفتابی کرده و التزام و یا عدم پایبندی آن ها را نسبت به فرامین فراگیر اخلاق هویدا می کند.

به بیان دیگر با توجه به این که چه کسانی، مصداق عینی هر کدام از فرض های پیشین باشند، می توان آنان را در عرصه ی عمومی، در ردیف انسان های اخلاق مدار قرار داد و یا در زمره ی آدمیان اخلاق ستیز شمرد.

این جا در واقع، آوردگاه بسیار حساس و تعیین کننده ی پل زدن از تاکتیک (روش وابزار) به استراتژی (آرمان و رسالت) است. در این وادی مهیب و مالامال از پستی و بلندی ترسناک است که میان انسان های متعهد به آرمان ها و راهکارهای زبرین با اذهان آمیخته به اهداف و شیوه های زبرین ، دره ای عمیق خلق شده و صف آدمیان از یکدیگر جدا می گردد.

این که بارانداز و سمت و سوی بینش ما کجاست و انگیزه و پشت صحنه ی گفتار و کردارهای ما چیست، البته امری بس کلیدی به شمار می رود و به حتم باید با آن با زیرکی تعیین تکلیف کرد، اما راه وصول به هدف، شایان وراندازی و وسواس فزون تری است، چه هویت و رخساره ی شخصیتی آدمیان اعم از این که زیبا و یا پلشت باشد، در آینه ی برون داده های آنان نمودار می یابد. درونی های شریف گرچه سرمایه ای اهورایی است؛ اما اگر مسیرهای عملیاتی کردن این اندوخته ها، مسیرهای اهریمنی باشد، آن گاه روش های سیاه و اهریمنی اراده های اهورایی را با بن بستی سهمگین مواجه خواهد کرد. بنابراین، گرچه داشتن آرزوهای مادی و معنوی حقوق بشری برای زیست شادمانه، نوع دوستانه و مسئولانه ی دیگران (حُسن فاعلی) شرط لازم ورود به قلمرو انسانی است؛ ولی شرط کافی نیست. شرط کافی زمانی تحقق می یابد که روش های وصول به این آمال ها، نیز شرافتمندانه باشد(حُسن فعلی).

البته شایان یادآوری است که ارایه ی تعریفی مطلق، فرازمانی، فرامکانی و فرادینی از مفهوم دادگری و ستم ورزی و به خصوص تعیین مصداق برای این دو واژه، که مورد توافق همه ی ابنای بشر باشد و به اصطلاح مو لای درزش نرود امری سترگ و تا اطلاع ثانوی باید آن را به عهده ی تعویق انداخت؛ اما نگارنده در این نوشتار تلاش می کند بر اساس نظریه ی «حُسن و قُبح ذاتی و عقلی افعال» با ذکر نمونه هایی دم دست و محسوس برای هر یک از مناسبات چهارگانه ی مذکور، شاید به روشنایی مطلب بیفزاید. با این توضیح که این متن مانند سایر متون، استعداد حک و اصلاح را نیز دارد.

۱-۱- هدف: رسیدن به بام قدرت سیاسی و یا پاسداری از قدرت سیاسی مستقر برای سلطه ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برمردم و غارت دارایی های ملی.

ابزارها، از جمله: دروغ پراکنی، افترازنی، ریاکاری، چند چهرگی، دادن وعده ی کذب استقرار مدینه ی فاضله برای اغوای عوام الناس و یارگیری از میان آنان، بی صداقتی و خدعه گری، انواع و اقسام حرام خواری ها، سوءاستفاده ها و زدوبندهای اقتصادی و اداری و ریخت و پاش های مالی، تولید و ترویج کالاهای خرافی به ناآگاهان، توزیع مقطعی و مستقیم پول میان تهی دستان و یا دادن دیگر امتیازات به آنان نه به عنوان یک حق، بلکه فقط به مثابه روشی برای حامی پروری، پرونده سازی برای منتقدان و مخالفان و رقیبان و مجازات آنان به اشکال گوناگون، بمباران تبلیغاتی و شستشوی مغزی مخاطب، تاراج دادن جان و مال و حیثیت و شرافت خلق، ویران کردن ساز و کارهای دمکراتیک، آزاد، عادلانه و سالم در همه پرسی ها و انتخابات ها. انحصار رسانه ای و نابودی و یا اختلال در گردش آزاد اطلاعات، حاکم کردن تبعیض و نابرابری خشن و تحقیرآمیز حقوقی و قضایی در جامعه، دخالت خرد و کلان در عرصه خصوصی زندگی مردم، خود حق پنداری و با ظل انگاری دیگران و نگاه ابزاری به دین و مردم. گفتنی است کاربرد برخی از روش های یادشده در میان بعضی اصحاب قدرت و پاره ای از کسانی که در سودای به آغوش کشیدن عروس دلربای قدرت هستند مشترک بوده و برخی نیز اختصاصی هریک از طرفین ماجرا است.

۲-۱- هدف: محروم کردن یک کشور از یک حق قانونی و مشروع.

تاکتیک ها: اعمال تحریم های لجام گسیخته و برخلاف حقوق بشر که دستاوردی جز افزایش فقر و فلاکت و سیه روزی و حتی مرگ طبقات فرودست و اضمحلال و فروپاشی طبقه ی متوسط آن کشور ندارد، و یا تحمیل جنگی خانمان برانداز بر آن ملت.

۱-۲- هدف: کسب قدرت یا حفظ برای پاسداشت حقوق بشر، آزادی، عدالت و رفاه برای همه ی مردم.

روش ها: بیان گزاره های مطابق با واقع (راستگویی)، همگرایی کردارها با گفتارها و ادعاها، صداقت ورزی و پرهیز از فریب کاری، کاربرد روش های مسالمت آمیز و برهنه از ویران گری منابع انسانی و امکانات عمومی. آسیب نرساندن به مردمانی که خود، طراح، آمر و عامل خشونت ناعادلانه نیستند. برگزاری همه پرسی و یا انتخابات دمکراتیک، منصفانه، پاک و عدم خرید و فروش رأی و سرقت رأی مردم. سوء استفاده نکردن از موقعیت اداری و حیف و میل اموال جمعی، دوری جستن از اسراف و تبذیر تبلیغاتی، به رسمیت شناختن حق رقیبان، منتقدان و مخالفان برای دستیابی به قدرت، ارایه طرح ها و برنامه های انسانی و عقلانی شفاف برای ساماندهی امور.

۲-۲- هدف: برد در مسابقات ورزشی.

ابزارها: رعایت بازی جوانمردانه، رعایت قوانین حاکم بر بازی، عدم وقت کشی غیر معقول، استفاده نکردن از داروهای نیروزا (دوپینگ)، پرهیز از خشونت عریان و کینه توزانه، عدم تبانی برای خذف رقیبی دیگر، دریافت و پرداخت رشوه برای تغییر نتیجه و دیگر اهداف غیراخلاقی در ورزش.

۳-۲- هدف: کمک مادی و معنوی بشر دوستانه به نیازمندان واقعی.

شیوه ها: حفظ آبرو و حیثیت افراد و یاری بدون منت و تحقیر و پایمال کردن شخصیت محتاجان و در صورت لزوم انجام کمک پنهانی به ویژه در مورد فرودستان با مناعت طبع، عدم مطالبات غیرانسانی از فرد نیازمند و یا درخواست انجام کاری بدون رضایت آن شخص از وی، نباید زیبایی حمایت از محتاجان را با جار زدن آن بر سر هر کوی و برزن کثیف کرد و یا هر بار آن را به رخ شان کشید و مصداق گاو نه من شیری شد. البته بازگو کردن خیرات انسانی برای تشویق دیگران به انجام این جنس کارها و یا در شرایطی خاص برای دفاع از خود و رونمایی از حقیقت، رویکردی ناپسند محسوب نمی شود.

۱-۳- هدف: کسب ثروت برای زندگی بهتر

روش ها: حرام خواری مالی، تقلب و غش در معامله، کم فروشی، گران فروشی، توصیف های غیر واقعی درباره ی کالاها، انحصارطلبی در کسب امتیازات اقتصادی و چنگ اندازی به منابع عمومی و رشوه دهی و رشوه گیری، اختلاس و کلاه برداری، رانت خواری و بده و بستان های خلاف قانون عادلانه و اخلاق، دستکاری در اسناد و مدارک و سندسازی و جعل مدرک، غصب اموال دیگران، قاچاق برخی کالاها از جمله مواد مخدر و ترانزیت مواد مخدر، عتیقه جات و قطعات و اشیایی که بخشی از میراث فرهنگی محسوب می شوند، فروش کالاهای با کیفیت پایین به قیمت گران، سوء استفاده از قدرت برای بیرون راندن دیگران از عرصه ی رقابت اقتصادی سالم و یا ضعیف و کم رمق کردن آنان. فرار مالیاتی و پرداخت نکردن مالیات های عادلانه براساس درآمد، مگر این که ثابت شود این درآمدها منصفانه توزیع نشده و به جیب افرادی مفت خور رفته و در خدمات و خیر عمومی که قابل محاسبه و ارزشیابی باشد هزینه نمی گردد و مالیات دهنده به فرض توانایی بر عدم پرداخت آن، اراده ی کاربرد آن را در مصارف جمعی مانند ساختن مدرسه، بیمارستان، کتابخانه و... داشته باشد.

> **در عرصه ی سیاست و اجتماع نیز، بسیار دشوار است که یک کنشگر سیاسی و یا اجتماعی از یک سو ذهن و روانش به اهداف وحشتناک آغشته باشد و از دگر سو دلشوره ی کاربرد روش های پاک داشته باشد. البته در میدان پر دروغ و دغل سیاست، برای دارندگان اهداف غیراخلاقی، گاه گریزگاه هایی نیز وجود دارد.**

۲-۳- هدف: دریافت مدرک علمی.

راهکارها: انجام تقلب در امتحان، پرداخت رشوه و یا کاربرد دیگر زدوبندها و امتیازدهی های مالی، فامیلی و سیاسی و اجتماعی، دگرگونی در اسناد و مدارک امتحانات و یا خرید و قالب کردن مدرک قلابی.

۳-۳- هدف: کشف حقیقت در محاکم قضایی و اداری و مجازات مجرمان

ابزار ها : عدم بی طرفی دستگاه قضایی و اداری به خصوص دادستان و قاضی پرونده، کاربرد هر گونه شکنجه ی روانی و جسمی در مراحل مختلف پرونده، نبودن وکیل در تمامی مراحل دادرسی و عدم دسترسی وی به پرونده، ردیف کردن اتهامات خلاف واقع برای متهم، محروم کردن متهم و وکیل وی از حق مطالعه و کپی برداری از پرونده و دفاع لازم و بیان واقعیت ها بدون هراس از عواقب آن، رعایت نکردن قوانین عادلانه در احضار، بازجویی و بازداشت و جمع آوری مدارک علیه متهم، برگزاری دادگاه غیرعلنی برای کسانی که خواهان دادگاه علنی هستند، دخالت نهادهای غیرقضایی در امر قضاوت و تعیین تکلیف برای قضات.

۴- در خصوص فرض چهارم (اهداف غیرانسانی، روش های انسانی) چنین می نماید که این فرض، هم چنان در وعاء (ظرف) ذهن لنگر انداخته و در پهنه ی عین، رخ نخواهد نمود؛ زیرا چگونه می شود یک فرد از یک سو عقل و قلبش در سیطره ی آرمان ها و غایت های غیرانسانی و تاریک بوده و از دگر سو برای رسیدن به این اهداف، دغدغه ی کاربست روش های انسانی و خردمندانه داشته باشد. فرض کنید شخصی در پی کشتن یک انسان است که حتی اگر مجرم هم باشد، مجازاتش مرگ نیست (اهداف غیراخلاقی) حال، راهکارهای رسیدن به این هدف چیست؟ خود شخصاً او را بکشد، او را به دادگاه بکشاند و به قاضی رشوه دهد تا او را به مرگ محکوم کند، یا آدم کشی را اجیر کرده و به هر طریق با پرداخت حق الزحمه، او را به نابودی آن شخص مأمور نماید. ملاحظه می شود که هیچ یک از این شیوه ها، بار ارزشی ندارند.

در عرصه ی سیاست و اجتماع نیز، بسیار دشوار است که یک کنشگر سیاسی و یا اجتماعی از یک سو ذهن و روانش به اهداف وحشتناک آغشته باشد و از دگر سو دلشوره ی کاربرد روش های پاک داشته باشد. البته در میدان پر دروغ و دغل سیاست، برای دارندگان اهداف غیراخلاقی، گاه گریزگاه هایی نیز وجود دارد. برای نمونه برخی از اصحاب قدرت برای حفظ صندلی خود و طرد و حذف دیگران (هدف غیراخلاقی) خود را پشت سنگر قانون پنهان کرده و با کاربرد شبیه قانون ها و یا با برداشتی جانبدارانه و به نفع خود از قانون، به اهداف خود که انحصار قدرت و با ثروت و از میدان به درکردن دگراندیشان است، رنگ و لعابی مشروع داده و آن را در زرورق قانون می پیچند. در حالی که هر قانون با محتوای ناعادلانه و تبعیض آمیز و خلاف حقوق بشر و حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش، به ویژه اگر دست پخت اقلیت جامعه باشد اساساً مشروعیت نداشته و بنیادش بر آب است. بنابراین، گویا این فرض در جغرافیای وجود خارجی، بلا مصداق و موضوع است.

نسیم جنوب ۴
دفاع مقدس
شماره ۷۱۲- یک شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

به یاد شهید محمود پیکر

صدائی که جزیره را مجنون کرد



دی ماه به نیمه رسیده بود؛ سوز سرما بود و باد و باران... پدر اما با دلی گرم، کفاشی مختصر خود را که به وسیله ی آن امرار معاش می کرد و نانی حلال را از آنجا بر سر سفره ی خانواده می آورد، بست... دست های پینه بسته اش را از سوز سرما به هم می مالید و راهی خانه شد... خانه را اما مژده ای فرخنده گرم می کرد... تولد پسری شیرین و دلربا، شور و ولوله ای در آن بر پا کرده است... کفاش جوان، دست ها را به آسمان برد؛ آفریدگارش را سپاس گفت و سپس به شکرانه ی تولد فرزند، سر به سجده گذاشت... او که دل در گرو محبت پیامبر(ص) داشت، نام آسمانی محمود را بر جگر گوشه نهاد... محمود قدم بر خاک نهاده بود، تا سفری عرشی را از فرش بیاغازد.

سال های کودکی را اما در بوشهر گذراند... بندری مهربان و نجیب در جنوب زادگاهش. کوچه های «خواجه ها» صبح ها با شور و هیاهوی محمود و دوستانش که توپی پلاستیکی را به آسمان پرتاب می کردند، از خواب بر می خاست. سال ۱۳۴۷ بود که او قدم در دبستان «اخوت» خواجه ها نهاد و دورانی تازه در زندگی اش آغاز شد. دبستان به چشم هایش سلام کرد و بر قدم هایش بوسه نهاد... دوران دبستان با شور و حرارت گذشت و محمود نوجوان وارد مدرسه ی راهنمایی «مهران» – که بعدها «۲۲ بهمن» نام گرفت– شد. پس از پایان رساندن دوران راهنمایی، دبیرستان «دکتر شریعتی» گام های مصمم او را به انتظار نشسته بود... او که در مدرسه به عنوان شاگرد ممتاز می درخشید از فعالیت های انقلابی و شرکت در راهپیمایی ها نیز غافل نبود و در تمام صحنه های سیاسی و اجتماعی و مذهبی حضوری چشمگیر و فعال داشت. عضویت او در بسیج به معنای امضای سند وابستگی او به انقلاب بود. محمود جوان، هم زمان با فعالیت های انقلابی، از سنگر علم و دانش نیز غافل نماند؛ پس از اخذ دیپلم، برای ادامه ی تحصیل به مرکز تربیت معلم شیراز رفت و به عنوان دبیر تاریخ و جغرافیا فارغ التحصیل شد. در دیار جم و ریز ردای مقدس معلمی پوشید و به تدریس مشغول شد...

نور معنویت و عشق از همان جوانی دلش را روشن کرده بود؛ مناجات با برآرنده ی حاجات، در کام محمود جوان از هر شربتی گواراتر بود و خانه ی جانش را چلچراغ دعا و زیارت عاشورا نور باران کرده بود. تلاوت قرآن، لحظه هایش را لبریز تقدس و عشق می ساخت؛ عشق و ارادتی سرشار به اهل بیت عصمت و طهارت (س) داشت؛ از این رو همواره در خلوت خویش، با خدای خوبی ها از درگاه او می خواست که چون مقتدایش حضرت امام علی (ع)، سرانجامش شهادت در راه دوست باشد. سال ۱۳۶۱ بود و محمود می رفت که برای نخستین بار قدم به خاک مقدس کربلای ایران بگذارد؛ عملیات «بیت المقدس» آغاز شد و محمود در پست تک تیرانداز، انجام وظیفه می کرد. در آن عملیات با دلاور مردان دیگری از خطه ی بوشهر، از جمله شهید بشکوه، بهرام پور، اسماعیل ماهینی، و فرمانده شهید علی ماهینی، هم رزم بود.

دبیر جوان تاریخ، بارها و بارها به جبهه اعزام شد و تاریخ حماسه و عشق را رقم زد... در سال ۱۳۶۵ برای آخرین بار راهی جبهه شد و در منطقه ی «فاو»، مستقر گردید. پیش از شروع عملیات از برادرش که فرمانده بود، تقاضای مرخصی نمود. در آن شرایط حساس، دادن مرخصی به سختی امکان پذیر بود، اما محمود به مرخصی آمد تا با اقوام و بستگان خداحافظی نماید. گویی روح خدایی اش می دانست که لحظه ی دیدار نزدیک است.

شب عملیات کربلای ۴، یکی از رزمندگان پیشنهاد داد زیارت عاشورا خوانده شود... صدای ملکوتی محمود جزیره را مجنون کرد... پس از زیارت عاشورا مرثیه ی فاطمه الزهرا(س) را خواند، صدای محزونش را نی زارهای جزیره ی مجنون به یاد دارند... رزمندگان همه سوار بر قایق شدند و وداع آنان با یکدیگر، موج موج، جزیره را پریشان ساخت. شهید جاویدالاثر ناصر جوهرزاده، نحوه ی شهادت محمود را این گونه به تصویر کشیده است:

«... محمود مرا صدا زد و به حالت سجده در قایق خم شد. ما فکر کردیم در حال سجده است؛ دقایقی گذشت و او بلند نشد به دقت که نگاهش کردیم، فهمیدیم شهید شده است. او که همواره آرزو داشت به مانند مولایش حضرت علی(ع) شهید شود، سرانجام به آرزوی خویش رسید و با پیشانی خونین به دیدار محبوب شتافت و مرغ جانش به آسمان پر کشید و به افلاکیان پیوست...»

تولد: ۱۳۴۱/۱۰/۱۵ – شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۴

نترس! مطمئن باش!

عباس نیری – خاطره ای از دوران دفاع مقدس



تفاوتی که در اعزام ما به جبهه بیشتر به چشم می آمد، وجود افراد کم سن و سال در بین با تجربه ها بود.

در بین بچه های ما، سن و سال معنایی نداشت چرا که بزرگترها در حکم راهنما و بزرگ گردان بودند و ما کوچکترها به بزرگی آنها ایمان داشتیم. نکته ی جالبی که وجود داشت برادری و دوستی بود که در گردان ما موج می زد. من در آن موقع، نوزده سال داشتم و به شدت شیفته ی رفتار بزرگ منشانه ی برادران سپاهی شدم.

برادران بزرگواری در گردان ما بودند مثل «حاج عباس حسن زاده»، شهید «نیک بخت»، شهید «بیژنی» و شهید «عباس کامکاری» که همگی از جان و مال خود گذشته بودند و برای حفظ آب و خاک، وطن، ناموس و شرف خود، قدم در راهی بی انتها گذاشته بودند.

من نماز شب را از این پاسداران که مظهر پاکی و بزرگی بودند فرا گرفتم. گاهی صدایی از درون خودم می شنیدم که می گفت: «همان طوری که با قامتی ایستاده تا اینجا آمده ایی، تا آخرش هم برو، نترس، مطمئن باش که موفق خواهی شد!»

هر روز ساعت ۴ صبح بلند می شدیم و نماز جماعت بر پا می کردیم. قرآن خواندن به ما آرامش قلبی می داد و هیچ گاه در سنگر ما تلاوت قرآن ترک نمی شد. ما در یک عملیات مثل فتح المبین، توانستیم ارتفاعات «تپه میش راغ» را به تصرف خود در بیاوریم و توپخانه ی عراق را هم که در همان جا بود، بگیریم.

فرمانده ما سردار شهید «خرازی» بود که بعدها فرمانده لشکر امام حسین (ع) شد. من به این حقیقت رسیدم که آدمی هر چه قدر بیشتر در مکتب بزرگان کسب فیض کند، زودتر به این نتیجه می رسد که هنوز هیچ نمی داند و در جبهه هر روز که می گذشت، تجربه ای جدید بر تجارب من افزوده می شد.

ظهر ساعت ۱۲ بود که فرمانده گردان، شهید «حسن زاده» اعلام عملیات کرد و اظهار داشت: «۲۰ کیلومتر در این تپه ها ی شنی حرکت کنید!»

ما به طور متوسط ۵۰ کیلوگرم وسایل نظامی را حمل می کردیم. در حدود ساعت ۱ شب به این تپه ها رسیدیم و از پشت با دشمن درگیر شدیم.

آن شب شهید «عباس کامکاری» مثل پدر روی سر ما بود و تا زمانی که ما را به سوی عراقی ها هدایت نکرد، ما را رها نکرد و خود ایشان هم لبیک الی الله گفت و از اولین شهدای گردان ما بود. او در آخرین لحظات حیاتش گفت: « من می روم و تو می مانی! برای تو تلخ است، ولی حقیقت را باید پذیرفت! دعای خیر من بدرقه راه شما عزیزان باشد!»

ما با توکل به خداوند راه های طولانی طی کردیم، بدون این که از پا درآییم و یا احتیاجی به آب و غذا داشته باشیم. این ها همه از خوان کرم لطف الهی بود. در زیر باران و در صحرا کوله بارهای سنگین بر پشت خود حمل می کردیم و تمام کفش ما در زمین های شنی فرو می رفت و آرپی جی توی گوشت ما می نشست، اما ما لب تشنه به یاد شهیدان کربلا و سرور شهیدان دو عالم، قدم بر می داشتیم.

گلوهای خشکیده، لب های ماسیده، قمقمه های خالی از هر گونه قطره ی آب... آه! خیلی از بچه های ما لب تشنه شهید شدند. گویی حماسه ی خونین ظهر عاشورا در جلوی چشمان ما تداعی می شد.

بار دیگر عملیات را شروع کردیم. حدود ساعت یک و سی دقیقه ی شب، آخرین بار شهید «کامکاری» خودش عهده دار گردان بود. وی گفت: «جلو بروید! عراقی ها جلو هستند و دست خداوند بالای سر همه شماها باد!»

ما در آن تاریکی شب، از میدان مین عبور کردیم، به جنگ تن به تن با دشمن پرداختیم و ۶۰ نفر از عزیزانمان را از دست دادیم. صبح هنگام مشاهده کردیم که ما در میدان مین، نبرد کرده ایم و از میان سیم خاردار عبور کرده ایم، بدون این که درمانده و مستأصل شده باشیم. ما ایمان داشتیم که خداوند و ائمه ی معصومین (ع)، همگی پشتیبان انقلاب و نظام ما هستند و نمی گذارند که دشمن به خاک و ناموس ما تجاوز کند.

به یاد شهید مجید بشکوه،

مرغ مهاجر آرامیده در جزیره «قطعه»

تابستان به نیمه رسیده بود... تن داغ زمین به شهر بوشهر لحظه هایی سرشار از گرما و شرجی همراه با شور و حرکت بخشیده بود. محله قدیمی «شیخ سعدون» شبی آرام را به دست صبحی روشن و پرامید می داد... احمد اما گرمای دیگری را زیر پوست لحظه هایش حس می کرد... تولد پسری دوست داشتنی قلبش را مالامال از امید و روشنی ساخته بود... قرآن را از روی طاقچه –که شیشه های رنگی مشبک، رنگین کمانش ساخته بودند– برداشت. از روی پارچه ی سبزی که یادگار آخرین زیارت او از امام مهربانش بود، بوسه ای از سر صدق و ارادت بر جلد مصحف شریف زد و آن را گشود و چشمان نمناک از اشک شوق خود را بر آیه های آن نهاد... لبانش به جملاتی مترنم گشت... بار دیگر قرآن را بوسید؛ بر سر گذاشت و در طاقچه نهاد؛ لبخندی میهمان گوشه ی لبانش بود... آرام به سمت گهواره رفت... چهره ی معصوم نوزاد، زیر چتری از مهر پدرانه ی او می درخشید... آهسته زمزمه کرد: «کلام الله نگهدارش...»

مجید، در دامان خانواده ای که قرآن و اهل بیت(ع) را پناه روزهای بی پناهی خود می دانستند، روزهای رویایی کودکی را پشت سر گذاشت. شجاعت او از همان سالها نمایان بود و همین خصلت او را به صحنه ی مبارزه کشید. مبارزه علیه حاکمانی که عزت مردم را در جدایی آنان از قرآن و دین می دانستند. اکنون مجید سال های نوجوانی را تجربه می کرد. حاصل تلاش ها و مبارزات او و همرزمانش به بار نشسته بود و انقلاب، نهالی بود که با مجاهدت مردم می بالید و خانه ها را لبریز از عطر شکوفه های خود می ساخت. در این سالها او در دبیرستان «سعادت» مشغول تحصیل بود و روزهای زرینی از دفتر عمر خود را ورق می زد...

تابستان ۱۳۵۹، روزهای آخرش را می گذراند و شهریور می رفت تا دست در دست مهر، دریچه ای از علم و دانایی را رو به روی نگاه های منتظر بگشاید. نزدیک ظهر بود و شهر غرق در کار و تلاش... گرما و شرجی قطره قطره از چهره ها فرود می آمد که صدایی سهمگین و ناآشنا به گوش رسید... صدای شیپور جنگ آرامش را از دلها ربود... مجال ماندن نبود... آسمان میهن را سایه ی شوم کرکس ها پر کرده بود و مجید به همراه دیگر سلحشورانی که غیرت را در کلاس درس عباس (ع) آموخته بودند، عازم جبهه ها شد. او نیز مانند همشهری های مبارزش به ستاد جنگ های نامنظم به فرماندهی دکتر چمران پیوست. جامه ی رشادت آن چنان زیبنده ی قامت او بود که به سمت فرماندهی گردان انتخاب شد.

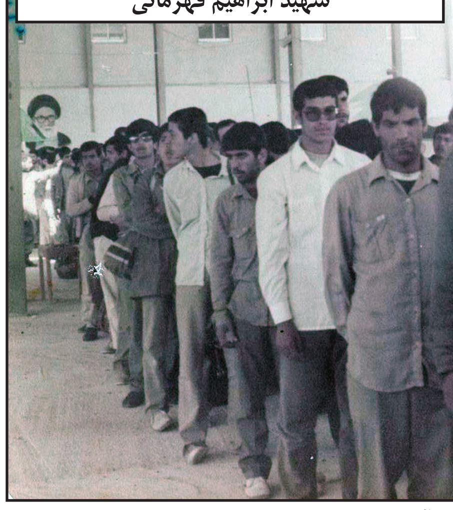
عملیات های بزرگی چون شکست حصر آبادان، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و خیبر، صحنه های بی نظیری برای نمایش رشادت و دلاوری های این شیر بیشه ی جنوب بود. مجید قهرمان، بارها مجروح گردید، اما هر بار مصمم تر از پیش به جبهه ها می شتافت.

در سال ۱۳۶۳ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و مربی پرورشی شد، اما مرغ دلش در سنگرهای جبهه می تپید و سرانجام مرغ مهاجر جانش در جزیره ی «قطعه» به آسمان جاودانگی عروج کرد و در حالی که سی بهار از زندگانی سرشار از مبارزه اش را پشت سر می گذاشت، بهاری خرم تر و پرشکوه تر، سرو قامتش را به نهالستان ملکوت پیوند زد و در روحش به عرش پیوست... جزیره ی قطعه، هنوز پیکر لاله گونش را در آغوش گرفته است.

تولد: ۱۳۳۵/۶/۱۹
شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۴

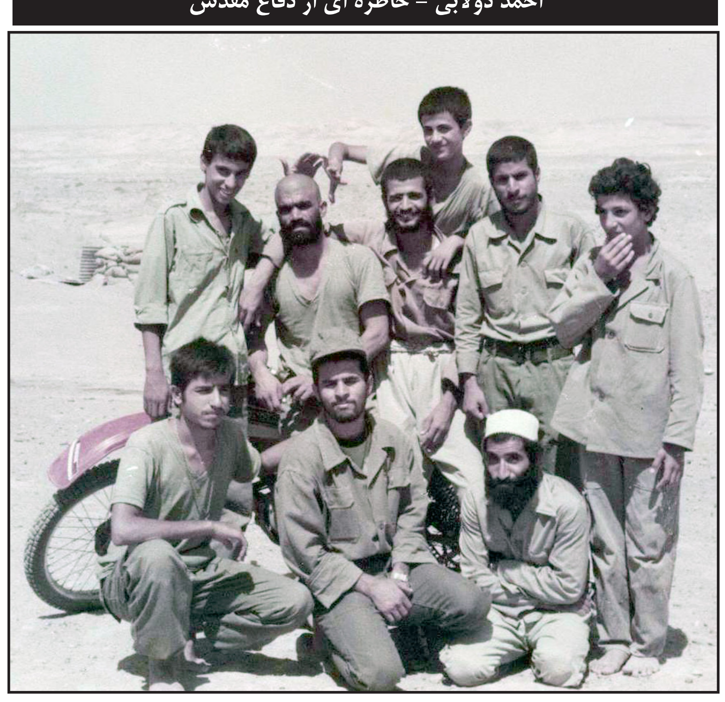
غره مشو که مرکب مردان مرد را
در سنگلاخ بادیه پی ها بریده اند
نومید هم مباش که رندان جرعه نوش
ناگه به یک ترانه به منزل رسیده اند...

جمعی از رزمندگان بوشهر در زمان اعزام به جبهه ، نفر اول شهید مجید بشکوه و نفر دوم شهید ابراهیم قهرمانی



شلیک مشکوک!

احمد دولابی – خاطره ای از دفاع مقدس



۶۲/۷/۱ زبیداد عراق – در منطقه عملیاتی محرم _ از سمت راست ایستاده : ؟ ، یوسف بختیاری ، حمزه لاوری، ؟ ،؟ ، سوار موتور علی آبادی ،؟ ، نشسته از راست : حسن خدری، شهید ناصر جوهر زاده، شهید ماشاءاله کارگر

نمی دانید چقدر مشتاق بودم که همراه دیگر عزیزان در جبهه های نبرد حضور پیدا کنم. درست زمانی که شوق حضور در این دیار، تمام وجودم را در بر گرفته بود به ناگاه متوجه شدم که در جبهه هستم و این توفیق را ناشی از لطف خدا می دانم.

عملیات والفجر ۸ اولین عملیاتی بود که من در آن حضور داشتم. این عملیات در اواخر بهمن سال ۱۳۶۲ آغاز شد. من در آن زمان دوران مرخصی ام را نزد خانواده ام در روستای «کردوان» از توابع شهرستان دشتی سپری می کردم. چند روزی از شروع عملیات گذشته بود که من به منطقه برگشتم. روز دهم عملیات، گروهان ما که متشکل از صد نفر بود، همزمان با گردان امام حسن (ع) وارد منطقه ی فاو شد. من با این که در آستانه ی ۱۷ سالگی بودم، ولی آن قدر خود را قوی و دلیر نشان دادم که مرا به عنوان جانشین فرمانده دسته انتخاب کردند. فرمانده دسته، برادر پاسدار «حسین دریمی» اهل پشتکوه برازجان بود.

به دستور فرمانده با قایق های لگنی که ظرفیت حمل ۱۲ نفر را داشت به طرف خط پدافندها حرکت کردیم. در بین راه دیدیم که در مسیر حرکت عراقی ها نیروهای خودی پلی ساخته اند تا به وسیله ی آن دشمن را فریب داده و به راحتی آنها را مورد حمله قرار دهند. نزدیک اسکله بودیم که یکدفعه ۲ هواپیمای دشمن را در آسمان مشاهده کردیم. آنها قایق های ما را هدف قرار دادند و خوشه های بمب بود که مانند باران بر سر ما فرو می ریخت. در موقعیت بسیار خطرناکی گیر کرده بودیم و فقط لطف و مرحمت خداوندی شامل حالمان شد که از این مهلکه جان سالم به در بردیم. اما متأسفانه دشمن در آخرین لحظات، اسکله را منهدم کرد و برگشت.

آن روز به هر سختی که بود خود را به خط پدافندی– که بعد از «رأس البیشه» بود– رساندیم و در آن جا مستقر شدیم. یادم هست همان روز اول استقرارمان درست زمانی که آفتاب غروب کرده بود، یکدفعه صدای شلیک گلوله ای آرپی جی ما را به خود آورد. مطمئن بودیم که شلیک از طرف نیروهای خودی انجام گرفته است؛ ولی از آن جایی که هیچ دستور حمله ای نرسیده بود، این مسأله باعث نگرانی ما شد. برای جویا شدن علت شلیک از سنگرمان خارج شدیم. با کمال تعجب دیدیم دو نفر از برادران بسیجی که نگهبان بودند بر روی زمین افتاده اند. به طرفشان رفتیم و سعی کردیم به آنها کمک کنیم. یکی از آن دو نفر حالش خوب نبود. گویا موج انفجار او را گرفته بود. بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردیم و از دوستش که حالش بهتر بود خواستیم ماجرا را برایمان تعریف کند. به گفته ی آن برادر بسیجی، هنگامی که آنها از روی کنجکاوی در حال وارسی کردن آرپی جی بوده اند، ناخوادآگاه دست دوستش به ماشه ی آر پی جی می خورد و گلوله ای که سر آرپی جی بوده شلیک می شود و شدت شلیک گلوله آنها را به سمتی پرتاب می کند.

با شنیدن ماجرا، فرمانده تصمیم گرفت او را تنبیه کند؛ ولی وقتی دید که او آن قدر ناراحت و پشیمان است که اشک در چشمانش حلقه زده، متوجه شد که خودش به اندازه ی کافی تنبیه شده و به همین دلیل از تصمیمش منصرف شد.

چند روز بعد آن برادر بسیجی دیگر نیز از بیمارستان مرخص شد و این اتفاق برای هر دوی آنها درس عبرتی شد که دیگر کنجکاوی بی جا نکنند و بیشتر احتیاط کنند.

در طول عملیات والفجر۸ ما در فاو ماندیم و با عراقی ها دست و پنجه نرم کردیم. آنها خیلی تلاش کردند که فاو را از ما بگیرند و برای گرفتن آن دست به هر کاری زدند ولی موفق نشدند و ما در این عملیات پیروز شدیم. نیروهای ما در طول این ۳ ماه در اسکله ی «پد۷» که قایق های هجومی داشت، مستقر بودند. در خور عبدالله آبراهی بود که بین بویه ی ۱۶ و ۱۷ قرار داشت و ناوچه های عراقی از آن مسیر به طرف اسکله ی «البکر» و «الامیه» می رفتند. در تمام مدت، کار ما این بود که با قایق به طرف خور عبدالله می رفتیم و دهانه ای را که در ابتدای این آبراه قرار داشت، می بستیم تا عراقی ها نتوانند از آن مسیر عبور کنند. این کار ما خشم آنان را برانگیخته بود و به طور مکرر دست به حمله می زدند تا قوای ما را تضعیف کنند؛ ولی کاری از پیش نمی بردند. چون ما قاطعانه در مقابل آنها ایستاده بودیم و برای دفاع از مرزهای کشورمان از هیچ کاری دریغ نمی کردیم.

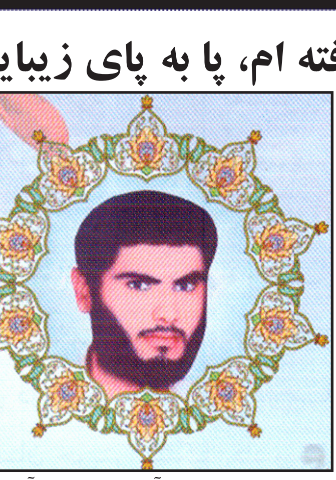
من در عملیات کربلای ۴ نیز شرکت داشتم. این عملیات در زمستان سال ۱۳۶۵ در شلمچه صورت می گرفت و من در قسمت دریایی انجام وظیفه می کردم. فرمانده گردان ما، «حاج اسماعیل ماهینی» بودند. به دستور وی ما در نزدیکی های اسکله ی الامیه مستقر شده بودیم. روز اول عملیات بود و فرمانده داشت ما را توجیه می کرد که یک دفعه برادر «بیژنی» –که در آن هنگام مشغول دیده بانی بود– برای ما خبر آورد که ۲ فروند از ناوچه های دشمن در حال نزدیک شدن به ما هستند.

به دستور فرمانده «ماهینی» صبر کردیم تا آنها نزدیک تر شوند. سپس با شناوردهایمان به سمت ناوچه های دشمن حرکت کردیم. آنها که انتظار چنین کاری از ما نداشتند به طرف ما آتش گشودند و ما هم با آتش جواب دشمن را دادیم. آتش ما به قدری شدت داشت که عراقی ها را وادار به عقب نشینی کرد. پس از دور شدن آنها از منطقه، ما دوباره به محل استقرارمان برگشتیم و از این که دشمن را فراری داده بودیم، بی نهایت خوشحال بودیم. پس از این که عملیات کربلای۴ با انهدام نیروهای عراقی به پایان رسید، نیروهای ما وارد حلبچه شدند. دیدن آثار بمباران شیمیایی عراقی های جنایتکار همه ی ما را متأثر کرد. جنازه های شیمیایی شده با وضع تأسف باری در جای جای خاک حلبچه دیده می شد و دل آدمی را به درد می آورد. من صحنه های جنایت صدام ملعون را در حلبچه هیچ وقت فراموش نمی کنم.

در منطقه ی حلبچه دره ای بود به نام «شیخ صالح». گردان ما در این دره مستقر شد. هنگامی که در حال مشخص کردن جای دسته ها بودیم، ناگهان چند فروند هواپیمای عراقی را در آسمان مشاهده کردیم. بمب های خوشه ای بود که بر روی سر ما ریخته می شد، ولی جالب بود که اغلب بمب هایی که در میان نیروها می افتاد عمل نمی کرد و این جز معجزه ی خداوندی هیچ چیز دیگری نمی تواند باشد.

به یاد شهید محمد خلیل فولادی

رفته ام، پا به پای زیبایی...



پاییز به نیمه رسیده بود؛ آبان، بوشهر را آباد کرده بود و هوای خنک و مطبوع پاییزی سالی پربرکت را نوید می داد؛ آسمان ابری بود و نسیم خنکی از جنس بادهای مطبوع بهاری توی کوچه ها سرک می کشید؛ بندر منتظر باران بود تا ردپای خیسش را در کوچه های گلی خود حس کند؛ خانه ی کوچک «ابول» اما چشم انتظار نوزادی از جنس باران بود... آسمان، نبارید، باران رحمتی بر خانواده ی آنها بارید و پسری همزاد باران و از جنس بهار دیده گشود و صدای گریه اش، خنده را میهمان لب ها کرد...

پدر نام فرزند را محمد خلیل گذاشت؛ محمد، عصر ستایش و خلیل، نوای نیایش را در جاری لحظه ها پراکند و محمد خلیل پا بر خاک نهاد تا روزی با پروازش افلاک را زیر بال و پر گیرد... سال ها از پس هم سپری شد و محمد خلیل قدم به مدرسه نهاد. دبستان «شهید عاشوری» (بنمانع سابق) نخستین پایگاه علم آموزی او بود... سپس در دبیرستان دکتر شریعتی سال های نوجوانی را با درس و کتاب آذین بست و مدرک دیپلم خود را از همین دبیرستان اخذ نمود. پس از گرفتن دیپلم، لحظه ای از کار و تلاش فارغ نبود؛ حتی تابستان های گرم و سوزان بوشهر او را از کسب و کار باز نداشت. شهید فولادی لحظات خود را با تلاوت قرآن متبرک می ساخت؛ عشق به اهل بیت (س) و رعایت تقوای الهی عظیم ترین سرمایه ای بود که او را در وادی عشق و ایمان هدایت می کرد. در دوران تاریک و تباه ستمشاهی همگام با دیگر همشهریان خود به پیکار علیه رژیم منحوس پهلوی قامت آراست و با توزیع اعلامیه های رهبر محبوب خود در راه به ثمر رسیدن انقلاب گام بر می داشت. یک سال پس از پیروزی انقلاب، جبهه ای دیگر انتظار گام های او را داشت؛ جبهه ی مقدس آموزش و پرورش... او با انتخاب معلمی و تدریس، در راه رسالت انبیا گام برداشت و پیام آور بیداری و دانایی گشت. دبستان «بایندر» بندرگاه، زمزمه های محبت او را در کلاس های درس به خاطر دارد.

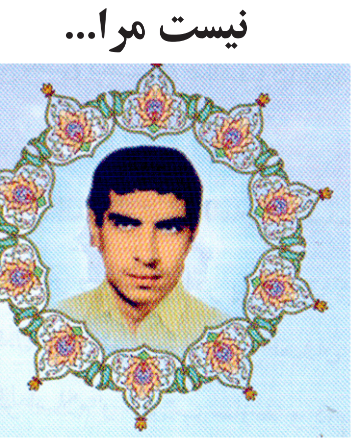
در سال ۱۳۵۸ انجمن اسلامی نصر را در محله سنگی با همکاری دوستان خویش تشکیل داد و با آغاز جنگ تحمیلی با تشکیل گروه مقاومت، به پاسداری از جان و مال مردم پرداخت. در خردادماه ۱۳۶۰ ازدواج نمود و دوماه پس از ازدواج به آموزش فنون نظامی مشغول و رهسپار جبهه های نورعلیه ظلمت شد. هنوز بیشتر از ۱۵ روز اعزام محمد خلیل نگذشته بود که عملیات شکست حصر آبادان آغاز گردید و در همین عملیات بود که روح بلند پرواز او به سوی ملکوت پر کشید.

تولد: ۱۳۳۶/۸/۵ شهادت: ۱۳۶۰/۷/۱۶

ای سرا پا برای زیبایی خفته در لا به لای زیبایی
باتو بودم همیشه وهمه جا رفته ام، پا به پای زیبایی...

به یاد شهید ابراهیم قهرمانی

بر کشته ی تو گریه روا نیست مرا...



سال ۱۳۴۵ بود. چشم شهرستان برازجان به دیدار نوزادی روشن شد که روشنی بخش شب های ظلم و ستم باشد. نامش را ابراهیم گذاشتند... تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ی «ابن سینا» به پایان رسانید و پس از اتمام دوره ی راهنمایی در سال ۱۳۵۹ جهت تحصیل به بوشهر مهاجرت کرد و در هنرستان فنی «جابربن حیان» در رشته ی مکانیک ثبت نام کرد و مشغول تحصیل شد...

هجرت او با آغاز جنگ تحمیلی هم زمان بود و او نمی توانست آرام و بی تفاوت، به تحصیل بپردازد. به همین سبب جهت آمادگی رزمی و دفاع از میهن اسلامی به عضویت بسیج پایگاه مقاومت امام محمد تقی(ع) درآمد. پس از پیمودن دوره ی آموزش نظامی در کازرون، راهی جبهه های نبرد شد، اما از جهاد علمی نیز فارغ نبود و تحصیلات خود را در کنار مبارزه با دشمن ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم گردید. پس از پایان تحصیلات در تیرماه ۱۳۶۴ به سنت پیامبر(ص) عمل نمود و تشکیل خانواده داد. خواهر شهید نقل می نماید که: «شب ازدواجش ما را از جشن و شادی با صدای بلند بر حذر داشت و گفت: چگونه شاد باشیم در حالی که برادران من یکی پس از دیگری به شهادت می رسند، حال آن که خانواده های آنان آرزوی دامادی شان را داشته اند.»

سه ماه بعد از ازدواج، در کنکور تربیت معلم شیراز پذیرفته شد و در مهرماه ۱۳۶۴ به شیراز مهاجرت نمود و با جدیت به کسب علم و دانش پرداخت و در کسب نمرات عالی از دیگر دوستانش پیشی گرفت، اما این موضوع روح او را راضی و آرام نمی کرد. بنابراین پس از پایان اولین ترم تحصیلی عازم جبهه های نبرد گردید. او به جبهه رفت و در چندین عملیات از جمله: تنگه ی چزابه، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان و جزیره ی مجنون شرکت فعال داشت و سرانجام در عملیات والفجر۸، که منجر به فتح بندر «فاو» گردید، به فیض شهادت نایل گشت.

تولد: ۱۳۴۵/۱/۱ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۲۵

عرق شرم دلم بود که از چشمم ریخت
ورنه بر کشته ی تو گریه روا نیست مرا...

به بهانه موضوع انتصاب استاندار جدید بوشهر در وزارت کشور

بوشهر نیازمند چه نوع مدیریتی است ؟!

مهرداد محمدپور – کارشناس ارشد مدیریت اجرایی

قبل از انقلاب سیاست شاه تبدیل بوشهر به یک پایگاه نظامی در منطقه بود (بیش از ۳/۵ مساحت شهر بوشهر در اختیار نیروهای نظامی و ارتش است) .
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی ، استان بوشهر بدلیل وجود تاسیسات عظیم نفت و سایت اتمی در پیشانی حملات هوایی دشمن واقع گردید (حدود۲۰۰۰ حمله هوایی به بوشهر ثبت شده است) .
در سالهای گذشته نیز بدلیل وجود سایت نیروگاه اتمی، گرچه دشمنان ره به جایی نخواهند برد لیکن بوشهر در معرض تهدیدات اجانب بوده است .
جمع جبری مسائل فوق باعث گردیده که بخش خصوصی رغبتی به سرمایه گذاری گسترده و مناسبی در استان بوشهر نداشته باشد. استانی که به لحاظ موقعیت سوق الجیشی از استعدادها و پتانسیل های متعددی برخوردار است و با مدیریت صحیح و ایجاد فضای امن می تواند توجه بخش های مختلف سرمایه گذاری را به خود جلب نماید.
بدلیل محدود بودن اعتبارات دولتی و عدم جذب سرمایه گذاران در بخش های مختلف ، استان بوشهر به لحاظ اقتصادی وشاخصهای عمرانی از متوسط کشور پایین تر بوده و این موضوع موجباب پایین بودن گردش منابع مالی و نهایتا کاهش رونق و رفاه مردم را فراهم آورده است .
تصمیماتی که قادر باشد ریسک سرمایه گذاری را در این استان پایین بیاورد و سود حاصل از هر گونه سرمایه گذاری را به اثبات برساند، راه گشای توسعه استان بوشهر خواهد بود.
اگر چالشهای استان بوشهر را به بخش های مختلفی دسته بندی نماییم ، میتوان این چالش ها را به پنج دسته اصلی تقسیم نمود:
۱- چالشهای سیاسی
۲- چالشهای فرهنگی
۳- چالشهای اجتماعی
۴- چالشهای امنیتی
۵- چالشهای اقتصادی و توسعه ای
چالشهای پنج گانه فوق که بدون ترتیب اولویت در بالا ذکر شده است را میتوان آسیب شناسی نمود و وزن هر کدام از آنان را بدست آورد و نهایتا با اولویت به آن پرداخت .
اولین سئوالی که در این آسیب شناسی در ذهن متبادر میگردد این است که آیا استان بوشهر به لحاظ امنیتی – سیاسی – اجتماعی و فرهنگی در قیاس با سایر استانها در چه جایگاهی واقع گردیده است؟!
بوشهر علیرغم اینکه یک استان مرزی محسوب میگردد، سابقه ۳۵ سال گذشته نشان داد که این استان به لحاظ شاخص امنیت در سطح بسیارمناسبی بسر میبرد (عملکرد مردم نیز در ۸ سال دفاع مقدس خود شاهد این قضیه است).
شاید اگر به حافظه تاریخی ۳۵ سال گذشته خود رجوع نماییم نتوان براحتی برای چالش اجتماعی و فرهنگی نه به عنوان عارضه بلکه بعنوان چالش، مثالی را آورد! و مردم استان بوشهر نیز به لحاظ فرهنگ زبان زد عام و خاص در سطح کشور بوده و هستند. معنای این کلام عدم وجود برخی مشکلات نیست بلکه میتوان ادعا نمود که در این زمینه چالش و یا هر گونه عارضه جدی ، در پایین ترین خود سطح میباشد .
علیرغم اینکه استان بوشهر صاحب شهروندانی است که از شعور سیاسی بالایی برخوردارند و در مقاطع زمانی مختلف کشور، مواضع سیاسی مشخصی را از خود بروز داده اند، لهذا خوشبختانه این استان از چالش سیاسی که نتوان آن را راهبری نمود، برخوردار نیست. این بدان معنا نیست که در این استان موضوعات سیاسی وجود ندارد ، بلکه بدین معناست که از این موضوعات سیاسی نمیتوان بعنوان چالش یاد نمود (در این زمینه میتوان بصورت تفضیل به تحلیل پرداخت که در حوصله این گزارش نمی باشد) .
برای ورود به بحث چالش های اقتصادی و توسعه استان میتوان با چند سئوال ساده آغاز نمود :
۱- مردم استان بوشهر باوجود صدها کیلومتر مرز آبی و منابع عظیم نفت وگاز در این استان ، در مقایسه با استانهای مشابه (دارای مرز آبی) و سایر استانها از چه سطح ثروتی برخوردارند؟!
۲- استان بوشهر در شاخص های توسعه ای، اقتصادی و توسعه شهری نسبت به متوسط کشور و سایر استانها در چه رتبه ای قرار دارد؟!
۳- گرچه منابع عظیم نفت و گاز و نیروگاه اتمی واقع شده در این استان دارای اهداف ملی و بعضا فراملی است ، لیکن مسائل زیست محیطی برخی از این طرحها که استان بوشهر را تحت تاثیر قرار داده و برخی دیگر نیز ریسک سرمایه گذاری بخش خصوصی را بصورت کاذب بالا برده است، آیا نمی بایستی این موضوعات در محاسبات توسعه ای و اقتصادی لحاظ نمود؟
– عدم النفع مسائل فوق الذکر برای استان بوشهر چه میزان است؟!!
۴- به لحاظ معیشتی ، مردم استان بوشهر در چه وضعیتی بسر میبرند؟ و با در نظر گرفتن شرایط و امکانات موجود در این استان در چه جایگاهی میتواند قرار گیرد؟
۵- مسائل و وقایعی که در طول ۴۰ سال گذشته به این استان مترتب بوده است چقدر در عقب ماندگی این استان در شاخص های اقتصادی و توسعه ای موثر بوده است ؟
۶- استان بوشهر چه سهمی در درآمدهای کشور دارد؟
۷- سهم بوشهر از درآمدهای کشور چه میزان است؟
۸- عوامل عدم سرمایه گذاری بخش خصوصی (بجز صنایع پایین دستی نفت و گاز) در استان بوشهر (علاوه بر موضوعاتی که در ابتدا به آن پرداخته شد) کدامند؟
به نظر میرسد که در این برهه از زمان مسائل و مشکلات مترتب بر مسائل اقتصادی و توسعه ای در استان بوشهر از برجستگی های بیشتری نسبت به سایر مسائل برخوردار میباشد.
این به معنای عدم وجود مشکلات در شاخص های دیگر نیست بلکه بدین معنا است که امروز استان بوشهر در شاخص های اقتصادی ، توسعه ای و معیشتی از کمبودهای بیشتری برخوردار است و توجه به این شاخص ها میتواند اثرات مثبتی در ارتقاء دیگر شاخص ها داشته باشد.
از اولین گام ها در ایجاد یک ساختار قدرتمند برای سازماندهی و برنامه ریزی در مسائل اقتصادی و توسعه ای استان بوشهر، تغییر رویکرد در شیوه انتخاب مدیران ارشد این استان می باشد.
چه مدیرانی، با چه مشخصاتی و چه سابقه ای با چه دیدگاهی، قادر به برنامه ریزی مناسبی برای ایجاد بستر جهت ارتقاء شاخص های عمرانی و اقتصادی و معیشتی استان بوشهر خواهند بود؟
شاید در یک نگاه از دور بپذیریم که برای استانی مثل سیستان و بلوچستان میبایستی



استانداری تعیین شود که دارای مشخصه های برجسته امنیتی و سپس عمرانی باشد و یا برای استانی مثل اصفهان نیاز به استانداری با مشخصه های بیشتر سیاسی باشد. برای استان بوشهر نیز به لحاظ نوع چالش های خاص خود بنظر میرسد که استاندار میبایستی سابقه مناسبی در مسائل عمرانی ، توسعه ای و اقتصادی داشته باشد.
توجه به این مسئله بسیار حائز اهمیت است که هر چقدر استانهای مرزی کشور در شاخص های عمرانی و توسعه ای رشد نمایند (بخصوص استانهایی که نقش اصلی در درآمدهای کشور دارند) به همان میزان سطح امنیت این مرزها افزایش خواهد یافت و در پی آن امنیت و ثبات کشور تقویت میشود.
اگر منطقا بپذیریم که در استان بوشهر میبایستی روی مسائل عمرانی و اقتصادی



تمرکز بیشتری صورت پذیرد ، بنابراین انتخاب شخصی بعنوان استاندار با سابقه عمرانی و اعتدال در رفتارهای سیاسی ، به نفع مردم این استان و ملاک انتخاب سایر مدیران نیز توانمندی در انجام موضوعات اولویت دار خواهد بود.
در شرایطی که دولت یازدهم رسما کار خود را آغاز نموده و از سیاست های اصلی این دولت توجه خاص به معشیت مردم است ، لهذا انتخاب استاندار برای بوشهر میبایستی با تمرکز بر رفع چالش های اصلی منطقه و مردم باشد .
در این راستا میتوان به چند معیار اصلی برای انتخاب استاندار بوشهر اشاره نمود:
۱- دارای سابقه عمرانی مناسبی باشد.
۲- در سایر استانها و در سطح ملی دارای سابقه مناسبی باشد.
۳- از نظر سنی از تحرک مناسبی برخوردار باشد.
۴- مردم دار باشد.
۵- به لحاظ سیاسی ، شخصی معتدل و معتقد به سیاست های دولت باشد .
۶- بتواند با انتخاب مشاورین و مدیران مناسب، ضمن توجه به اولویت های مردم و منطقه ، توانایی جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی را داشته باشد.
۷- رویکرد بستر سازی جهت جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی را داشته باشد.
۸- از برخورد سیاسی با نیروهای توانمند و کارا پرهیز نماید.
۹- قادر باشد نظام اجرایی استان را به سمت جلب سرمایه گذاری و مشارکت مردم سوق دهد .
۱۰ – توانایی استفاده حداکثر از خرد جمعی در راستای شکوفایی استان را داشته باشد.
بدیهی است که میتوان معیارهای دیگری نیز در این زمینه برشمرد لیکن چنانچه رویکرد اصلی در این انتخاب با اولویت ارتقاء شاخص های عمرانی، توسعه ای ،اقتصادی و معیشتی مردم باشد، تاثیرات مثبت آن در دیگر شاخص ها را بهمراه خواهد داشت.
بنابراین اجماع بر روی شخص یا اشخاصی که سوابق مناسبی در این زمینه داشته باشند
اولا) به نفع مردم استان و نهایتا به نفع کشور خواهد بود.
دوما) این شیوه انتخاب ، استفاده حداکثری از نیروهای توانمند را در پی خواهد داشت.
سوما) فضای استان از حاشیه های سیاسی بی حاصل خارج خواهد شد و به سمت کار و تلاش جلب میگردد که نیاز کشور در این برهه از زمان نیز همین است.

انتظار از نمایندگان مجلس و مسئولان برای همراهی با مردم:

شایستگی تبادار برای استانداری دولت تدبیر و امید

افشین غریبی



گرچه دولت امید و اعتدال دکتر روحانی مدتی است کار خود را شروع نموده است اما به دلیل عدم انتصاب استانداران در اکثر استانهای کشور از جمله بوشهر و برسرکار بودن مدیرانی که سالها مجری سیاستهای دولت احمدی نژاد خصوصا در بخش های سیاسی و فرهنگی در بوشهر بودند، هنوز اثری از سیاستهای جدید دولت روحانی در بوشهر دیده نمی شود. اکنون و در هنگامه انتصاب استاندار بوشهر از سوی هیئت دولت چند نکته قابل ملاحظه می باشد:
۱- اتفاق نظر عمومی که بر روی انتصاب یک نیروی بومی به عنوان استاندار در بین مردم و مسئولان تاثیرگذار در این زمینه از جمله نمایندگان مجلس، ائمه جمعه و نماینده ولی فقیه در استان و ... وجود دارد، نگاه ها را متوجه شناسائی نیروهای مستعد بومی که شایستگی استانداری بوشهر را داشته باشند، نموده است. در این میان از سوی ستادهای دکتر روحانی و گروههای سیاسی اصلاح طلب و حامیان روحانی در بوشهر، اجماع عمومی بر روی مهندس تبادار، بوجود آمده و ایشان اکنون به عنوان تنها کاندیدای گروههای حامی دولت در بوشهر برای استانداری معرفی شده اند. مهندس تبادار استاندار اسبق بوشهر که در دوره استانداری خود توانست فعالیت های عمرانی را در استان رونق داده و گام های موثری در توسعه این منطقه بردارد، با ویژگی هائی که دارا می باشد، می تواند توسعه استان بوشهر را که در سالهای گذشته و علیرغم وجود منابع اعتباری بسیار دچار وقفه شده، به مسیر اصلی خود برگردانده و آن را به درستی هدایت نماید. اجماع بر روی استانداری تبادار بین نیروهای سیاسی حامی دولت روحانی در بوشهر، به سرعت از سوی اقشار مختلف مردم که از تبادار ذهنیت مثبتی در سر داشتند، با استقبال روبرو شد به طوری که به جرات می توان گفت اجماع عمومی مردمی بر استانداری تبادار در سراسر استان بوشهر کم نظیر می باشد. علاوه بر آن بسیاری از نیروهای نخبه و کارشناس نیز صرف نظر از تعلقات سیاسی خود، همگام با مردم به حمایت از تبادار قلم زده و اظهار نظر نموده اند. بیانیه ۹۲ استاد دانشگاه های بوشهر در حمایت از استانداری تبادار مهر تاییدی است بر این که همگام با مطالبات مردمی، نخبگان و اساتید دانشگاهها نیز بر قابلیتهای ایشان در هدایت مدیریت ارشد استان و سکان داری توسعه منطقه، باور و اعتماد دارند.
۲- از آن جا که دولت اعتدال روحانی بر خلاف دولت اصولگرایان با در نظر گرفتن مطالبات مردم و با احترام به نظر نمایندگان و دیگر مسئولان تاثیرگذار در این زمینه، قصد انتصاب استانداران را دارد، این فضا برای مسئولان تاثیرگذار نیز فراهم شده تا نظرات خود را در این باره ابراز نمایند. گرچه می توان تبادار را مورد اجماع مردمی و نیروهای سیاسی حامی دولت در بوشهر دانست اما هنوز از سوی مسئولان فوق در استان بوشهر اتفاق نظری بر روی کاندیداهای استانداری بوشهر اعلام نشده و با توجه به حمایت سه تن از نمایندگان استان از رقیبان روحانی در انتخابات ریاست جمهوری، این نگرانی وجود دارد که آنان در معرفی کاندیداهای خود برای استانداری بوشهر، تفکرات انتخاباتی خود را دخالت داده و هنوز قائل به فضای رقابتی بین حامیان روحانی با مخالفان آن باشند. در این صورت شکاف عمیقی بین مطالبات مردمی با خواسته های این نمایندگان به وجود خواهد آمد که در صورت پافشاری آنان، این خطر وجود دارد که دولت برای جلوگیری از بروز حاشیه در مدیریت ارشد خود در استان بوشهر، یک نیروی غیر بومی را به استانداری بوشهر منصوب نماید.
۳- از آن جا که توسعه استان بوشهر در دولت روحانی یکی از مطالبات و خواسته های اصلی و دغدغه های مردم، نمایندگان مجلس، ائمه جمعه و نماینده ولی فقیه در استان و ... می باشد، انتصاب استانداری همسو با دولت که بتواند سیاستهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت را در استان دنبال نموده و از این طریق موفق به جلب نظر دولتمردان در تعامل با استان بوشهر برای رفع مشکلات و نابسامانی های عظیم این استان شود، کاری ضروری و تصمیمی سرنوشت ساز برای استان است. از این رو انتظار می رود که مسئولان با نفوذ در این زمینه، حساسیت شرایط کنونی را درک نموده و با تقدم منافع مردمی در توسعه استان بر منافع سیاسی و علایق جناحی خود، در همراهی با مردم این فضا را برای دولت روحانی در بوشهر فراهم آورند که با انتصاب استاندار بومی همراه با خود، بتواند با فراغت بال و اطمینانی محکم برنامه های خود را در زمینه رفع محرومیت ها و توسعه همه جانبه استان بوشهر بکار گیرد.

مشعل ها در پارس جنوبی؛نماد توسعه یا آلایندگی؟

حسین بردستانی

تا چند سال پیش باور این موضوع که روزی منطقه عسلویه به شهر گازی جهان و پایتخت انرژی ایران تبدیل خواهد شد، تصوری دور از ذهن بود اما این اتفاق در اواخر دهه هفتاد روی می دهد و ثابت می گردد چشم انداز وجود مقادیر عظیم نفت و گاز در میدان گازی پارس جنوبی، نقشی شگرف و موثر در پیشرفت منطقه و کشور ایران خواهد داشت. این رونق و پیشرفت ارمغان آورنده این مهم بود که فقر و بیکاری نه تنها در استان بوشهر بلکه در بخش قابل توجهی از کشور ریشه کن خواهد شد اما به نظر می رسد امروز واقعیت چیز دیگری است. آنچه امروز سهم مردم این منطقه شده است، به جزء آلودگی و آلایندگی زیست محیطی چیز دیگری نیست. این آلایندگی در سطحی وسیع از هوا، آب، دریا و خاک در نوسان است. قلب تپنده انرژی ایران پتانسیل های حمل و نقل دریایی به واسطه موقعیت بندری، ایجاد پتروشیمی ها با رویکردهای متفاوت و همچنین ایجاد کارخانه سیمان نیز در خود جای داده است. فرودگاه این منطقه یکی از پر رفت و آمدترین فرودگاه های کشور به شمار می آید و بنابراین این مرکز نیز به پتانسیل های توسعه ای منطقه عسلویه می افزاید. با اذعان به توضیحات ارائه شده، اولین سوالی که به ذهن هر خواننده یا بازدیده کننده ای متبادر می شود، این است که این شهر گازی چه تاثیری در توسعه استان بوشهر داشته است؟
آنچه که با طرح این سوال بیشتر از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار می گیرد، موضوع اشتغال، بهداشت و درمان و آموزش می باشد که مع الاسف باید اذعان نمود که سهم انرژی در توسعه این سه مولفه بسیار ضعیف و بعضا ناچیز بوده است. چه بسا که به واسطه حضور نمایندگان استان در کمیسیون انرژی مجلس و همچنین نخبگان و مدیران منطقه می شد بیش از این به اینگونه موضوعات توجه نمود و در راستای احقاق حقوق مردم عسلویه قدم برداشت تا این گستردگی و انقلاب انرژی به مشاهده فلرها (مشعل ها) ختم نشود. این مشعل ها با نگاه اقتصادی و مدیریتی نمادی از توسعه قلمداد می گردند اما این مفهوم جای خود را به نماد آلایندگی و سم محوری داده است تا ارمغان دیگری باشد به جای شور و نشاط اولیه مردم عسلویه. اهمیت موضوع با غفلت مسئولین استانی و چگونگی استفاده از این موقعیت در پیشبرد اهداف عمران و توسعه استانی دو چندان می شود به گونه ای که گاها احساس می شود، این پتانسیل توسعه ای به فراموشی سپرده شده است. کوتاه سخن اینکه، همسایگی و همجواری مردم منطقه به تاسیسات و پالایشگاه های عظیم گازی، سهم چندانی در توسعه منطقه در ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، منابع انسانی، مدیریت شهری، بهداشت و محیط زیست، اشتغال و ... نداشته است. در پایان امید است این مهم مورد توجه ویژه مسئولین قرار گرفته و همزمان با توسعه میادین گازی، مقوله عمران و توسعه منطقه عسلویه و سایر شهرهای استان بوشهر نیز مد نظر قرار گیرد.

فاجعه آموزشی در بوشهر

رتبه اسف بار بوشهر در کنکور سراسری در چهار سال گذشته

عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در زمینه قبولی دانش آموزان بوشهری در کنکور، این روزها که نتایج کنکور اعلام شده، بیشتر از همیشه حس می شود. دانش آموزانی که در طی سالهای گذشته امیدوار بودند تا در کنکور با رتبه بالا در دانشگاههای معتبر قبول شوند، به دلیل ضعف عملکرد آموزشی در مدارس بوشهر، علیرغم کوششی که می کنند، از بدست آوردن رتبه های خوب و مورد انتظار محروم شده و امکان تحصیل در دانشگاههای معتبر را بدست نمی آورند.
به گزارش نسیم جنوب گرچه مدیران آموزش و پرورش چنین افت فاحش و نگران کننده ای را قبول ندارند، اما آمارهای منتشره نشان می دهد که متاسفانه در طی سالهای گذشته کیفیت آموزش در مدارس استان بوشهر به شدت دچار نزول شده که نتیجه مستقیم آنرا می توان در رتبه های بدست آمده توسط دانش آموزان استان بوشهر در کنکور سراسری مشاهده نمود.
بر اساس جدولی که نشان دهنده سهم شهرهای کشور از نفرات یک رقمی، دو رقمی، سه رقمی کنکور در چهار سال گذشته است و توسط سایت عصر ایران منتشر شده است، متاسفانه سهم استان بوشهر از میان ۳۱ استان کشور، رتبه اسف ناک ۳۰ می باشد و تنها استان سیستان و بلوچستان بعد از بوشهر قرار گرفته است.
این تحقیق نشان می دهد که در طی ۴ سال گذشته در بوشهر تنها ۳۵ نفر موفق شده اند که رتبه زیر هزار را بدست آورند، در حالیکه به عنوان نمونه در استان کهکیلویه و بویراحمد ۱۰۶ نفر و یا در استان لرستان ۱۱۴ نفر موفق شده اند که رتبه زیر هزار را بدست آورند، ضمن اینکه فاصله آموزشی استان بوشهر با استانهایی همانند یزد، کرمان، خوزستان و کردستان سال به سال بیشتر می شود.
بر اساس این تحقیق رتبه های یک رقمی ، دو رقمی و سه رقمی کنکور در چهار سال اخیر نشان می دهد، تهران، مازندران ، خراسان رضوی ، اصفهان ، فارس، یزد، آذربایجان شرقی، کرمان، خوزستان و آذربایجان غربی بیشترین سهم را از نفرات برتر کنکور دارند.
انتشار این آمار در حالی است که خلیل رضایی مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر به تازگی در جمع خبرنگاران اظهار داشته: "استان بوشهر در کنکور سال قبل بالاتر از تهران بوده و رتبه ۱۷ کشور را کسب کرده است".

در جدول روبرو سهم شهرهای کشور از نفرات یک رقمی، دو رقمی، سه رقمی کنکور در چهار سال اخیر را بخوانید:

عنوان	شهر	سهم شهرها از دوطلبان رتبه زیر هزار
۱	تهران	٤٣٣
۲	مازندران	٣٣٢
۳	خراسان رضوی	٣٠١
٤	اصفهان	٢٧٠
٥	فارس	٢٦٢
٦	یزد	٢٢٨
۷	آذربایجان شرقی	٢٢٣
۸	کرمان	٢١٩
۹	خوزستان	١٧٩
۱۰	آذربایجان غربی	١٢٨
۱۱	البرز	١٢٣
۱۲	لرستان	١١٤
۱۳	گیلان	١٠٩
۱٤	کهکیلویه و بویراحمد	١٠٦
۱٥	کردستان	١٠٥
۱٦	خراسان شمالی	٩٩
۱۷	گلستان	٩٥
۱۸	قم	٨٩
۱۹	قزوین	٨٦
۲۰	کرمانشاه	٨٦
۲۱	همدان	٧٥
۲۲	اردبیل	٧١
۲۳	خراسان جنوبی	٦٨
۲٤	مرکزی	٦٠
۲٥	ایلام	٥١
۲٦	چهارمحال بختیاری	٤٩
۲۷	سمنان	٤٩
۲۸	زنجان	٤٤
۲۹	هرمزگان	٣٨
۳۰	بوشهر	٣٥
۳۱	سیستان و بلوچستان	١٩

روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر :

تکذیبیه خبر جایگاه کنکور استان

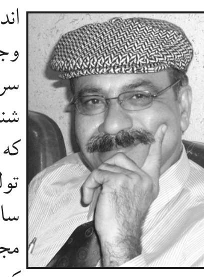
به گزارش روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر ، اخیرا سایت خبری – تحلیلی نسیم جنوب و تعدادی دیگر از سایت های خبری استان بوشهر با درج خبری باعنوان «بااعلام نتایج یک پژوهش مشخص شد:رتبه اسفباربوشهر درکنکور سراسری چهار سال گذشته» اظهار کرده اند که سهم استان بوشهراز میان نفرات یک، دو، و سه رقمی کنکور در چهار سال گذشته در میان ۳۱استان کشور رتبه اسفناک ۳۰بوده است. براساس آمار ذکر شده در این خبر تنها۳۵ دانش آموز بوشهری در چهار سال اخیر رتبه زیر ۱۰۰۰کسب کرده اند. هم چنین در این خبر، از عملکرد ضعیف آموزش و پرورش استان بوشهر، در زمینه قبولی دانش آموزان بوشهری در کنکور و نزول کیفیت آموزش در مدارس استان انتقاد شده است. با توجه به آمار، مستندات و تحلیلی که گروه آموزش متوسطه نظری از کنکور استان در چهار سال اخیرانجام داده، نادرستی و ناراستی خبر درج شده در این سایت ها فاحش و آشکار است. با این وجود جهت پا سخ گویی به خبر مذکور و استحضار مدیران محترم سایتهای خبری استان و هم استانی های عزیز ، از نتایج کنکور در چهار سال اخیر مستندات به صورت تیتر وار به شرح ذیل می باشد .
۱ – کسب رتبه ۱۷در کنکور سراسری سال۹۱در بین ۳۲استان کشور، که نسبت به سنوات گذشته رشد۴/۷۴ درصدی داشته است. (منبع: گزیده آمارهای آزمون سراسری سال ۹۰انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور)
۲- در سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۲۶دانش آموز در استان رتبه زیر ۱۰۰۰کسب کرده اند. ضمن اینکه بر اساس گزارش سازمان سنجش ۵۱نفر از دانش آموزان بوشهری شرکت کننده در کنکور سال ۹۱که رتبه زیر ۳۰۰۰ کشوری داشته اند در دانشگاه های معتبر و معروفی از قبیل: دانشگاه تهران، صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، صنعتی اصفهان، شیراز، شهید چمران اهواز، خلیج فارس و... پذیرفته شده اند و طبق همین گزارش تعداد ۱۸دانش آموز رشته تجربی استان بوشهردر رشته پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی: تهران، اصفهان، شیراز، جندی شاپور اهواز و بوشهر قبول شده اند.
۴- رتبه استان بوشهر در سال ۹۰در بین استان های کشور ۲۱بوده که با ۴ رتبه ارتقا درسال ۹۱به رتبه ۱۷ رسیده است.
۵- کسب رتبه ۲ کشور در گروه آزمایشی زبان های خارجه که نسبت به سال قبل ۲رتبه رشد یافته است.
۶- در کنکور سال جاری نیز تعداد ۱۲۷ دانش آموز موفق به کسب رتبه زیر ۱۰۰۰شده اند که از میان آن ها ۱۸نفر رتبه ۲ رقمی در گروه های آزمایشی پنج گانه به دست آورده اند.
در پایان تحلیل جامع و کاملی از کنکور سال ۹۲ در انتهای خبرتکذیبیه می توانید از سایت bushehr.medu.ir دانلود نمایید .
با تشکر
روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر

اجتماعی
شماره ۷۱۲- یک شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

سفرنامه باقر خودرو قبا کلکیانی به ابوشهر

اندرحکایت انتخاب والی ابوشهر در دولت کلید داران

به تصحیح مهدی جهانبخشان



اندر ابوشهر که بودیم ،جنب وجوشی بود بغایت، که سره را از ناسره نشاید در شناختن. و آن شوری بود که اندر سیاسیون بود بهر تولیت استانداری که هشت سال هُستانداری!؟بود. مجمعی عظیم می فرمودند که: حکمرانی را به ناخدا اسماعیل تبادار باید دادن که آبادانی را از او بر همی خواست در سالیان ماضی و جزایر الجمعی که چون کشور اندونزی بودند در پراکندگی می فرمودند: نی ما را از خود والی باشد بسی توانمند.

تخم لق را شیخ الاستانداران حضرت مولانا عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر داخله دولت اعتدال در دهان ها شکاند که فرمود انتخاب استاندار به نمایندگان ولایات بسپریم.

هان کیست که نداند، عده ای از نمایندگان از یاران غار کسی هستند که در دوران مشعشع صدارتش فرمود: "هَی قطع نامه صادر کنید، تا قطع نامه دونتون پاره شه و اینها واسه ما فقط یک کاغذ پاره است." و نیز فرمود: آب آفتابه بریزید اونجا که می سوزه.

حال نیز هویداست که برای بخیه قطع نامه دانشان دچار کمبود شده اند و چون آنجا سوزناک گشته، آب و آفتابه نیز در آن بلاد نایاب گشته و به التماس و زاری بر درب ما دق الباب کنند. بقول شیخ التاتر ابوشهر مولانا استاد صغیری (ای روزگار...)

باری خوش احوالی است که بر ما می رود. حَبذا بر این تدابیر. چون خواستند که استانداری را معین فرمایند هر گروه وهر دسته از خود شخصی را نامزد می فرمود، برای حکمرانی ابوشهر. گروهی بیامدند و با خود نامزدی بیاوردند بهر حکمرانی وخود را گروه مخالف با انحصار طلبی می خواندند. گروهی خود را، گروه مخالفان جدی مبارزه با انحصاری طلبی می خواندند و با خود نامزدی داشتند، ومی فرمودند الا ما. از اطراف و اکناف و اقصی نقاط استان هر گروه بیامد با نامزدی. از روستاها نیز بیامدند بهر نامزدی حکمرانی ابوشهر .از بریکو، از چه تل شمالی، از چهسین جمال. از برازجان و گناوه و خُورموج و بندرریگ و دیر و کنگان و کاکی وشهنیا و کُنری و گنخک و گنیک وپ ه کشی، قباکللی و سورکی واَزهمه جای بیامدند وهریک را نامزدی در زنبیل بود، زیادت جمعیت آنقدر بود که در ولایت ابوشهر جای نبود وعده ای روی دریا و در سفاین به انتظار نشستند مگر نامزد حکمرانیشان مقبول افتد.

گفتم منو چه خبر است ؟ زچه رو اینسان هر گروه شخصی را آورده بهر حکمرانی ولایت ابوشهر؟

منو گفت: یا شیخ این دستجات با خود گویند: سنگ مفت وگنجشک مفت، دولتیان را گوییم نامزد ما اگر والی نشود، فرماندار و بخشدار و دهدار و کدخدا و مباشر و فلان فلان که تواند شدن؟

بدان جمعیت بودیم پیرزنی بیامد از ظلم آباد و فریاد می زد: مگه ما چمونن سی چه ما استاندار نمی کنین؟ مگه استانداری هم کاری داره؟ مو عامو بهترین گرده بلبَل بوشهر تو تینر می زنما.



مهر" واژه ای است که عشق، محبت و دوستی را بر ذهن ها و اندیشه ها متبادر و بازآفرینی کرده و شکلی از شید و نور و روشنایی را در دیدگان آشکار نموده و قلب ها را سرشار از گرمی و شور می نماید.

" مهر " ریشه ای از مهرورزی و مهربانی که جهان و هستی همچون گنجی نهفته در نهاد هر کس بسته به میدان دید و نگرش و جهان بینی اش قرار داده تا که در استخراج و برون آوری از آن گنج بی همتا بهره برده و پیرامونش را سرشار نماید...

" مهر " در بردارنده احساسات پاک، خالص و ناب آدمی است که با خشم و کین همسو نگشته، بلکه آنها را به رنگ و بوی خود در آورده است...

" مهر"؛ شاه دانه ایست که در نهاد همه انسانها کاشته شده و هر کس به شکلی می تواند در رشد، بالندگی و پروار شدنش نقشی داشته باشد...

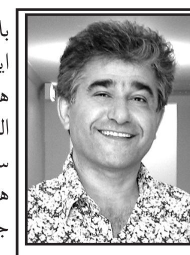
" مهر" ، یادآور گریه کودکانه کودکانی که برای نخستین بار از دامان مهرمادرشان به دامان دانش وعلم سپرده می شوند...

" مهر"؛ بوی تخته سیاه و گچ های سپید، بوی نخستین سرمشق های عشق و دوستی، بوی مدادهای سیاه و رنگی...

" مهر "؛ تلنگر زدن به سرچشمه اندیشه ها و جاری و ساری نمودن علم و دانش خدایی بر گستره برگه های انسانی...

بوی ماه مهر؛ شور و احساسی نوستالژیک و یادمان گرایانه برای سرشار گشتن مشام های جسم و روح و اندیشه از یادبودهای کودکی تا اکنونمان است.





دکتر محمود دهقانی

با سر برآوردن اینترنت و همه گیر شدن الکترویک در سراسر جهان که همه کشورهای جهان به آن وابسته شده اند هر روز ایده و اندیشه هایی در این گستره ابراز می شود و در برخی از این ایده ها کاری، کارستان شده و بازار جهانی را زیر نفوذ خود گرفته است. امروز در خیلی از کشورها خرید روزانه منزل را با اینترنت انجام می دهند. مسئولیت پذیری و دقت بر کیفیت خواربار و تولیدات شرکت ها نیز بیش از پیش پیشرفت کرده و سعی در ارایه تولیدات مرغوب می نمایند. برای نمونه اگر بطری شیر و یا شانه تخم مرغ از فروشگاه تا منزل در صندوق عقب اتومبیل یا درگیر شدن در میانه راه با تاخیری ناخودآگاه مواجه شود و به کیفیت آن ها لطمه برسد و آن ها را فاسد کند اما سایت های مزدکار "فریلنسر"، در چمبره ارتباط خود با شرکت ها و فروشگاه ها آن را برای مشتریان اینترنتی با ماشین های یخچال دار حمل می کنند و از فروشگاه تا منزل از یخچال فروشگاه به یخچال خریدار می رسد. این موضوع نه تنها در بر گیرنده خوار و بار، بلکه در امور روزانه زندگی شهروندان سراسر جهان نیز وارد شده و کارها بسیار منظم و تا حدودی نیز پخته تر از پیش در امور روزانه پر شتاب آدمیزاد در حال جا باز کردن است.

برخی از جوانان مبتکر نیز در گستره خوش فکری های جدید و راه اندازی سایت و رسانه های الکترونیکی انقلابی در انقلاب و یا به عبارتی تکامل دهنده این راه هائی شده اند که در شاهراه های اطلاعاتی و در چمبره درهم تنیده جهانی الکترونیک، غوغا کرده است. شمار مبتکران این ایده ها در سراسر جهان کم نیست و برخی از قهرمانان پیروز این کارزار در گوشه و کنار جهان ایرانی و یا ایرانی تبار هستند.

هنگامی که دوست جوان آقای مصطفی دهقان از خارگ، جزیره رویاهای نوجوانی من در خلیج فارس، در مورد یک ابتکار و راه اندازی سایت "فریلنسر" گفتند من ایشان را تشویق نمودم. باید به خاطر داشت ژرفنای واژه "فریلنسر" گسترده است و برخی البته بیشتر در اروپا به گفته "والتر اسکات" (۱۷۷۱– ۱۸۳۲)، سربازان مزدکار، استناد می کنند. من برای فارسی آن "دوره گرد رایانه ای" یا "مزدکار رایانه ای" پیشنهاد می کنم چرا که به واژه فروشنده "دوره گرد" در زبان پارسی نیز همخوانی دارد و در چرخش زبان کوچه نیز هنگامی بپرسند چه کار میکنی؟ با پاسخ: دوره گرد، یا مزدکار رایانه ای ، می تواند این واژه همه گیر شود. البته قصد واژه سازی ندارم و این مسئولیت گردن فرهنگستان زبان کشور خواهد بود تا هر چه زودتر ژرفنای واژه "فریلنسر" را ارزیابی کرده و با واژه ای پارسی آن را همگانی نماید.

دوست جوان آقای مصطفی دهقان به من به کوتاهی پیام دادند و من نیز طبق معمول او را تشویق نمودم. چرا که از هوش مصطفی و پشتکار او در دیداری که به بوشهر داشتم، رو در رو با اطلاع شدم. به گمان من مصطفی که انگلیسی را خوب میداند و فارسی را زیبا می نویسد و با رایانه و برنامه ها آشنائی دارد، به خوبی از پس این کار بر خواهد آمد. او که به زودی در نظر دارد سایتی با نام "پرشین فریلنسر" راه اندازی کند زمینه های کاری فراوانی را نیز از جمله برنامه نویسی، طراحی های یک سایت، برگردانی زبان ها از پارسی به زبان های دیگر و از آن زبان ها به پارسی، گرافیک، طراحی نقشه های ساختمانی و بسیاری کارهای بازرگانی و علمی و حتی بازار یابی برای فروش محصولاتی همچون خرما را نیز در این سایت انجام خواهد داد.

با این پیش در آمد بد نیست از "فریلنسر" که هر روز در سراسر جهان و حتا کشور ما ایران نیز در حال پیشرفت است کوتاه سخنی بنویسم. چون قرار داد کارمزد در فرهنگ ما ریشه دار است و "فریلنسر" هم کارهای خود را به گونه ای آزاد به کارفرمایان ارائه می کند. این کار فرمایان اگر روزگاری در یک گستره جغرافیائی محدود حضور داشتند اما در عصر الکترویک که جهان به دهکده ای شباهت پیدا کرده می تواند در چهار گوشه یک کشور و جهان نیز باشند. این کار حتا کسانی را که بر صندلی چرخدار نشسته و با تصادفی خانه نشین شده اند نیز در بر می گیرد و می تواند به تنهائی و با شاستی رایانه، کار خود را آغاز کند. این کار حتا می تواند در کنار کار روزانه برای نمونه در فراغت های ساعاتی از شب یا روز به گونه پاره وقت ارائه و کارفرمای خود بود.

امروزه کارت های بانکی کار واریز پول از هر گوشه ای از کشور و این جهان پهناور را آسان نموده است که در این راستا نیز هوش مزدکار رایانه ای باید مد نظر باشد. اما کشور ما ایران نیز می بایست هر چه زودتر خود را با قافله این کار و کاریابی ها همراه نماید چرا که نه تنها بسیاری از افراد بی کار و حتا عزیزان معلول را به نان و نوائی می رساند، بلکه برای اقتصاد و شکوفائی پیشرفت الکترونیکی نیز سودمند خواهد بود. این کار اگر با جهان در شرایط کنونی، کار آسانی نباشد اما برای رتق و فتق امور بازرگانی و اندیشه های رنگارنگ درون کشور در همه شهرها می تواند آغاز گر کاری باشد تا با رفع تحریم ها بزودی بتواند در گستره جهان نیز ، وبگردان مزدکار ایرانی را وارد بازار جهانی نماید. این کار مضاف بر این که می تواند یک نفره باشد از سوئی نیز میتواند گروهی شده و گستره وسیع تر کار دسته ای از زنان و مردان کشور ما از پیر و جوان را در بر گیرد.

هرچند که نمی بایست این کار پاره وقت شما را از کار اصلی خود باز دارد اما بقولا می تواند روزنه درآمدی باشد تا با پیشرفت آن و تجربه های بیشتر تصمیمات جدیدتری گرفت و دست به پروژه های بزرگتری زد که این مهم باید با رشته انتخابی ، بیشتر از پیش فراگیر شود. در این کارزار شما بدون هیچ هزینه با شاستی رایانه خود پیمانکار دوره گرد شرکت هائی با سرمایه های کلان خواهید بود. اما بیان این نکته را فراموش نکنیم که باید کار محکم باشد تا عیب نکند و از سوئی به استقبال این ضرب المثل پارسی: نباید از یار شد و به دوست هم نرسید.

آنچه هرگز به چشم نمی آید

«معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم دادگستری بوشهر»

۱.آن چه در عرف کشور ما، به عنوان کودک آزاری مطرح می شود تنها بعد فیزیکی آن است. حال آن که آزار و اذیت جنسی، عاطفی و همچنین غفلت، ابعاد دیگری از کودک‌آزاری هستند که تا حدود زیادی از دیده ها پنهان مانده اند یا ترجیح بر این است که پنهان بمانند.

۲. سازمان بهداشت جهانی سه دلیل عمده برای کودک‌آزاری قائل است: مشکلات اقتصادی والدین، اعتیاد به الکل و مواد مخدر و والدینی که خود در کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

۳. فقر و محرومیت را می توان خشونت های ساختاری دانست که زمینه های شکل گیری آسیب های اجتماعی دیگر از جمله خشونت خانگی را فراهم می کنند. والدینی که در جامعه مدام در معرض سرخوردگی و ناکامی هستند، امنیت جانی، روانی و به‌خصوص اقتصادی آنان شدیداً در خطر است و در مجموع فشاری که جامعه بر والدین وارد می‌کند، در نهایت از سوی والدین به کودکان به عنوان قشری بی‌دفاع و آسیب پذیر اعمال می شود.

۴.آیا برخورد فیزیکی با کودک را جزیی از تربیت فرزند به شمار می آورید، آیا می دانید که با توجه به موازین حقوقی امروزی، حتی خشونت روانی و کلامی، کودک‌آزاری به حساب می آید؟

۵. برای حل مسئله کودک‌آزاری، باید بستر اصلی آن، یعنی خشونت ساختاری به واسطه‌ی فقر و نابرابری شدید اقتصادی را از بین برد.

۶. در ایران نیز بنا به آمار رسمی، هشتاد و پنج درصد کودک آزاری‌ها توسط والدین معتاد انجام می‌شود. همچنین بنا به بررسی ها، غالب آزاررسان ها، خود در کودکی قربانی انواع کودک آزاری بوده‌اند. اما، در نگاهی ریشه‌ای تر و عمیق تر، اعتیاد افراد – به عنوان یکی از مهم ترین آسیب های اجتماعی – و پدران و مادرانی که در کودکی تحت آزار و اذیت قرار گرفته اند، دلایلی ساختاری دارد.

۷. برای تربیت کودک سالم، خوشحال و موفق، ما والدین باید علم و مهارت پدر و مادر خوب بودن را یاد بگیریم، اگر چه با وجود اصول حاکم جهت پدر و مادر خوب بودن باز هم والدین کامل بودن محال است ولی مصمم هستیم تا بهترین باشیم پس:

* آگاه باشیم که پدر و مادر بودن نیاز به تلاش دارد
*از تنبیه کردن شدید و خشن اجتناب نمایید * قوانین ویژه خانوادگی وضع کنید * وظیفه پدر و مادر بودنتان را با توجه به تناسب مراحل مختلف رشدی کودکتان انتخاب کنید
* برای آن دسته از فعالیتهایتان که مرتبط با کودک شما است اولویت بالایی قائل شوید *مستقل بودن را به کودکتان بیاموزید.

۷ سال دوندگی یک راننده تریلی برای گرفتن حق قانونی‌اش

حکایت دردآور ماجرای تخریب کامیون برای عبور کاروان احمدی نژاد در عسلویه

بهار: شکایت هفت‌ساله یک مرد برای دریافت خسارت تریلی تخریب‌شده‌اش به دست تیم همراه رییس‌جمهوری دولت نهم، هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است. تریلی این مرد در دو سفر رییس‌جمهوری سابق به عسلویه با تصور این‌که حامل بمب است کاملا از بین رفته است.

بیماری ناگهانی پدر

تابستان سال ۸۵ بود که رییس‌جمهوری وقت راهی عسلویه شد تا طرح‌های منطقه آزاد پارس جنوبی را مورد بازدید قرار دهد و روبان قرمز افتتاح را قیچی کند. همزمان غلامرضا قدیم‌پور، فرمان تریلی قسطی را که تازه تهیه کرده بود و کل دارایی‌اش محسوب می‌شد در دست داشت و در جاده خاکی نخل قدیم می‌راند که ناگهان تلفن همراهش به صدا درآمد و خبر وخامت حال پدرش را از آن‌سوی خط شنید. بی‌درنگ تریلی را در حوالی کارخانه یخ که در آن اطراف بود گذاشت و با هواپیما راهی همدان شد.

فرضیه

تیم همراه رییس‌جمهوری از جاده اصلی به طرف پارس جنوبی در حرکت بودند که گرمای هوا آن‌ها را واداشت به جاده فرعی نخل تقی بروند و از کارخانه، یخ بگیرند که ناگهان چشم‌شان به تریلی پارک‌شده خورد و با فرضیه‌ای مبنی بر این‌که شاید تریلی حامل بمب باشد، دستور تخریب آن را دادند. این در حالی بود که آن‌ها به گفته رییس یگان ویژه پلیس عسلویه مبنی بر این‌که تریلی مورد بازدید قرار گرفته و خطری برای سفر رییس‌جمهوری ندارد، توجهی نکردند. دقایقی نگذشته بود که سه لودر به حرکت درآمدند تا تریلی را که حتی در مسیر عبور رییس‌جمهوری سابق قرار نداشت، تا انتهای جاده خاکی هل بدهند... وقتی لودرها کارشان تمام شد و رفتند یک تریلی به‌هم‌پیچیده در انتهای جاده خاکی باقی‌مانده بود.

پاتوق افیونی‌ها

راننده تریلی وقتی پس از مدتی از همدان به عسلویه بازگشت تا سراغ تریلی‌اش برود از سوی مقامات پلیس از سرنوشت تریلی‌اش آگاه شد. وی که شوکه شده بود و خود را در برابر اقساط نیمه‌کاره بانک و یک تریلی ازکارافتاده که تنها منبع درآمدش محسوب می‌شد، می‌دید از بانک تقاضای وام کرد تا بتواند تریلی را راه بیندازد و کار کند تا اقساطش را بپردازد. کارشناس رسمی دادگستری که از سوی بانک مامور رسیدگی به میزان خسارت شده بود پس از بررسی تریلی خسارت وارده بر آن را ۲۳میلیون تومان برآورد کرد و در نخستین اقدام یک وام ۱۰میلیون‌تومانی پرداخت شد تا آن را به زخمی بزند و چرخ‌های تریلی‌اش را که یک‌سال متوقف مانده دوباره به راه اندازد. همزمان با این اقدامات تریلی تخریب‌شده به پاتوق عده‌ای معتاد تبدیل شد و همین مساله اعتراض روستاییان نخل تقی را در پی داشت به همین دلیل پلیس، تریلی را با لودر از انتهای جاده خاکی به سر جاده اصلی کشاند تا از روستا دور باشد و اهالی روستا از پرسه معتادان در امان باشند.

انهدام کامل تریلی

هنوز صاحب تریلی با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کرد که رییس‌جمهوری سابق به همراه هوگو چاوز دوباره عزم سفر به عسلویه و بازدید از پارس جنوبی را کرد. وقتی خودرو حامل رییس‌جمهوری و تیم همراه در جاده عسلویه به سمت پارس جنوبی به حرکت درآمد، تریلی تخریب‌شده‌ای که توسط نیروی انتظامی به لب جاده کشیده شده بود به چشم تیم آشنا آمد و آن‌ها این‌بار تریلی را شدیدتر از قبل تخریب کردند. صاحب تریلی که وامش را با هزار و یک دردسر دریافت کرده بود با امید راهی عسلویه شد تا تریلی‌اش را تعمیر کند و زندگی‌اش را که یک سال در نابسامانی به سر می‌برد، نجات دهد اما وقتی تریلی‌اش را در آن شرایط دید بار دیگر شوکه شد و با آگاهی از موضوع توسط اهالی و نیروی انتظامی عسلویه، با کمری خمیده راهی همدان شد تا از طریق رویه قانونی اقدام کرده و با شکایت از عاملان این تخریب، خسارتش را از آن‌ها دریافت کند.

شکایت در نهاد ریاست‌جمهوری

غلامرضا قدیمی‌پور، مستاصل و درمانده با مدارکی که حکایت از نامه‌نگاری‌های مسئولان داشت پس از چند سال دوندگی تلاش داشت حق پایمال‌شده‌اش را بستاند.

این راننده ۶۰ساله تریلی گفت: پس از آن‌که به همدان بازگشتم نزد حجازی نماینده شهرم رفتم و وی با آگاهی از موضوع نامه‌ای به نهاد ریاست‌جمهوری ارسال کرد تا خسارتم را پرداخت کنند و بتوانم زندگی‌ام را دوباره بسازم. بدترین جای این اقدام جایی بود که مسئولان نهاد ریاست‌جمهوری اقدام همراهان رییس‌جمهوری را نپذیرفتند و با پیگیری‌هایی که کردم در نامه‌ای که اردیبهشت‌ماه ۸۸ نوشته شد از استاندار وقت بوشهر خواستند که چگونگی ماجرا بررسی شود. به این ترتیب استاندار بوشهر، بخشدار عسلویه، فرماندار کنگان و مقامات نیروی انتظامی و دادگستری عسلویه همگی در نامه‌هایی تخریب تریلی توسط تیم حفاظتی را تایید کردند. وی ادامه داد: نهاد ریاست‌جمهوری پس از اثبات این ادعا از من خواستند که از یگان ویژه منطقه آزاد پارس جنوبی شکایت کنم و بگویم که آن‌ها این خسارت را به تریلی‌ام زده‌اند زیرا فقط به این شرط حاضر می‌شوند خسارتم را پرداخت کنند. من که چاره‌ای نداشتم پذیرفتم و به این خواسته عمل کردم اما روز دادگاه در کمال ناباوری دیدم که یکی از بهترین وکلای تهران برای دفاع از یگان ویژه منطقه آزاد به دادگاه آمده و آن‌جا ثابت کرد که منطقه آزاد بی‌تقصیر است.

خسارت ۷۰۰میلیونی

راننده تریلی گفت: همیشه یک سوال در ذهن من است و این‌که آیا همراهان رییس‌جمهوری نمی‌توانستند یک کلیدساز بیاورند و کامیون را به جای دیگری انتقال دهند و آیا هزینه کلیدساز کمتر از لودر نبود. وی ادامه داد: پس از این ماجرا حدود ۴۰ روز در کنگان سرگردان شدم تا نظر کارشناس دادگستری بوشهر درباره برآورد خسارت تریلی را بگیرم و کارشناس دادگستری مبلغ خسارت به تریلی را ۳۰میلیون بر حسب قیمت روز و خسارت خواب تریلی را که روزی ۱۶۰هزار تومان است تا آن زمان یعنی سال ۹۰ حدود ۷۰۰میلیون تومان برآورد کرد. وقتی نظر کارشناس دادگستری به پرونده ضمیمه شد به دفتر ثمره‌هاشمی فراخوانده شدم و گفتند که حاضرند جریمه بانک را که به خاطر اقساط عقب افتاده و تا آن روز ۵۰میلیون تومان شده بود پرداخت کنند و اگر تریلی را برای اوراق تحویل دهم به جای آن یک پراید به من می‌دهند که البته این وعده نیز عملی نشد و با اعتراض من پاسکاری‌های اداری بیش از پیش جریان یافت.

هزینه جراحی به جای خسارت تریلی

وضعیت نابسامان زندگی راننده تریلی باعث شد که در پرداخت هزینه جراحی همسر بیمارش ناتوان باشد. غلامرضا قدیم‌پور در این‌باره گفت: اردیبهشت ۹۱ نامه‌ای از سوی مرکز ارتباط مردمی رییس‌جمهوری وبا دستور دستیار ارشد رییس‌جمهوری سابق صادر شد که همسرم برای درمان به یک مرکز معرفی شود و به صورت رایگان تحت جراحی قرار گیرد که البته این هزینه نیز پرداخت نشد.

مسکن مهر به جای خسارت و یک وعده پوچ دیگر

اجاره‌نشینی این راننده تریلی و دردسرهای بی‌شمارش باعث شد که در خرداد ۹۲ از سوی دفتر رییس‌جمهوری نامه‌ای به اداره کل راه و شهرسازی همدان ارسال شود که در آن از مسئول این اداره خواسته شده بود برای تهیه یک واحد مسکن مهر به غلامرضا قدیم‌پور مساعدت لازم با وی انجام شود اما این نامه مورد تایید قرار نگرفت و در پاسخ گفته شد که همه واحدهای مسکونی صاحب دارند و این امکان وجود ندارد.

سرنوشت تریلی

راننده تریلی وقتی روز سوم شهریور ۹۲ از همدان به عسلویه رفت که سری به تریلی رهاشده‌اش بزند با صحنه‌ای عجیب روبه‌رو شد و دید از تریلی جز چند تکه آهن‌پاره چیزی نمانده است. وقتی از معتادان شنید همه بدنه تریلی دزدیده‌شده خود را به بخشداری منطقه رساند و شنید که اوراقچی‌ها چیزی از تریلی برجای نگذاشته‌اند.

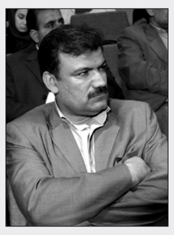
سناریوی تلخ بی‌پایان

غلامرضا قدیم‌پور که پس از هفت سال دوندگی و ماندن در پشت درهای بسته دیگر رمقی ندارد، با چشم‌های ناامید و خسته گفت: در ۶۰سالگی با یک موتور برای پیک‌موتوری کار می‌کنم و به دلیل ناتوانی در پرداخت اجاره‌خانه‌ام، صاحبخانه حکم تخلیه را گرفته است. دست‌های همسرم باید قطع شود و من پولی برای درمانش ندارم. سه فرزند دارم که به‌خاطر وضعیت من دانشگاه نرفتند و دست از تحصیل کشیدند و سندی که برای ضمانت خرید قسطی تریلی‌ام در بانک گذاشته بودم به دلیل ناتوانی‌ام در پرداخت اقساط جلب شد. این سند متعلق به خانه‌ای است که به مادرم و خواهر و برادرهایش ارث رسیده و بانک پس از جلب این سند و فروش خانه به ارزش ۵۰۰میلیون تومان، ۴۰۰میلیون تومان را برداشت و من مانده‌ام و شرمساری پیش مادرم و بقیه وراث که لطمه دیده‌اند. وی افزود: همه وعده‌هایی که برای پرداخت خسارات تریلی‌ام به من داده شد پوچ بود و پس از هفت سال دوندگی به جایی رسیدم که دیگر هیچ چیز برایم باقی نمانده است. حالا می‌خواهم از رییس‌جمهوری سابق بپرسم در دولتی که شعارش مهرورزی و عدالت‌ورزی بود، پایمال کردن حق‌الناس و به فلاکت کشاندن یک زندگی آن‌قدر آسان بود؟

هنر دبیرستان فرزانگان بوشهر: رتبه اول می گیرد رتبه پنجم تحویل می دهد!

در بوشهر تیزهوش بودن یعنی پول بده تا محروم شوی!

دکتر عبدالمجید مصلح



به نظر می رسد فلسفه ایجاد مدارس خاص و مخصوصا تیزهوشان شناسایی و پرورش و توجه ویژه به استعدادهای درخشان جامعه است. بر همین اساس در سیستم مدارس تیزهوشان معمولا ساعات فوق العاده ارایه می شود. دبیران ویژه استفاده می شود و از طرفی هزینه آموزش نیز از دانش آموزان اخذ می شود. جالب است که در بوشهر همه چیز وارونه است! در حالی که خانواده ها هزینه تحصیل می دهند، به هیچ عنوان حق انتخاب و استفاده از دبیران ویژه و مجرب را ندارند و به هیچ وجه از بهترین دبیرها استفاده نمی شود. زیرا:

۱) بیشتر دبیرهای خوب و نسبتا خوب به خاطر سختی های تدریس در این مدارس ترجیح می دهند در شرایطی که پرداخت با سایر مدارس یکسان است، در این مدارس تدریس نکنند.

۲) منع پرداخت فوق العاده در این مدارس در چارچوب تدریس های موظف منجر به این شده است که کمتر دبیر ویژه ای انگیزه تدریس در این مدارس داشته باشد.

۳) تنها جایی که حضور دبیران مرد ممنوع است، دبیرستان های خاص دخترانه است. در حالی که در همه مدارس دخترانه غیر انتفاعی و عادی می توانند تدریس کنند.

به اذعان همه کسانی که دستی در امور آموزش دارند، در بیشتر جاها دبیران قوی و ویژه در علوم پایه مخصوصا ریاضی مرد هستند، آقایان می توانند در همه مدارس دخترانه تدریس کنند، ولی تدریس آقایان در مدارس خاص بوشهر ممنوع است. در حالی که همه مدارس دخترانه بوشهر غیر از مدارس خاص و همه مدارس کشور (چه مدارس خاص و چه سایر مدارس) از دبیر مرد استفاده می‌کنند.

خیلی خلاصه این که:

۱) مردم در بوشهر به مدارس خاص دخترانه پول می دهند تا از دبیران زن خوب و نسبتا خوب محروم شوند.

۲) مردم بوشهر به مدارس خاص دخترانه پول می دهند تا از دبیران مرد ویژه که عمدتا هم بهترین دبیران شهر بوشهر هستند، محروم شوند.

۳) اگر می خواهید دبیر خوب داشته باشید نیازی نیست در مدرسه نمونه و یا تیزهوشان ثبت نام کنید، نیازی نیست شهریه پرداخت کنید، نیازی نیست فرزندتان در آزمون های سخت ورودی تیزهوشان و نمونه پذیرفته شود. نیازی نیست فرزندتان تیزهوش باشد؛ فقط کافی است فرزندتان را در مدرسه عادی ثبت نام کنید. و این چیزی است که اگر سراسر جهان را بگردید، فقط در بوشهر یافت می شود.

و بعد فرزندان تیزهوش شهر بوشهر هم باید علاوه بر شهریه های مدرسه به دنبال تدریس خصوصی در این جا و آنجا بگردند تا در پایان سال تحصیلی رتبه بیاورند و بعد مدیران آموزش و پرورش بیایند و با آن‌ها عکس بگیرند. از این بهتر نمی شود!! دختران اگر در موسسات خصوصی با هر دبیری کلاس خصوصی بگیرند، اشکال ندارد و کاملا هم شرعی است! دختران اگر هر روز، وقت و بی وقت با تاکسی تلفنی و تاکسی عمومی به این موسسه و آن موسسه بروند و اصلا هم احساس امنیت نکنند، اهمیت ندارد!! ولی اگر به صورت استثنایی دبیر مرد با هماهنگی مدرسه و آموزش و پرورش به مدرسه بیاید اشکال دارد و آن هم فقط برای دبیرستان های خاص بوشهر!! برای ارزیابی کافی است نتایج کنکور سال جاری در دبیرستان فرزانگان را بررسی کنید. آیا منطقی و قابل درک است که دبیرستان فرزانگان رتبه پنجم در سطح استان داشته باشد؟! در نتیجه تلاش و برنامه های آموزش و پرورش و مدرسه این شد که بعد از سماجت بر مقررات و روش های غیر منطقی خود توانستند بهترین دانش آموزان مقطع راهنمایی استان را گرفته و در کنکور سال جاری به جایگاه پنجم استان برسانند و این هنر کمی نیست!!! هنر ما این است که باهوش ها را به سطح متوسط و پایین تر جامعه برسانیم نه این که دانش آموزان متوسط و پایین را ارتقاء داده و یا به دانش آموزان تیزهوش برسانیم! بدون تردید حق دانش آموزان تیزهوش بوشهر این نیست! دانش آموزانی را می شناسم که با اطمینان عرض می کنم اگر در هرجای دیگر بودند در کنکور سراسری با رتبه دو رقمی قطعا پذیرفته می شدند! ولی با نهایت تاسف به هیچ وجه به رتبه ای که شایستگی آن را داشتند دست نیافتند. به هر حال با هوش بودن در این شهر و جامعه جرم کوچکی نیست!! در بوشهر تیزهوش بودن یعنی پول بده تا محروم شوی!

خطر آلودگی‌های زیست‌محیطی در کمین مردم عسلویه

سال هاست که کارشناسان و فعالان محیط‌زیست در باب آلودگی‌های ناشی از عدم رعایت قوانین زیست‌محیطی حین بهره‌برداری از میادین نفتی هشدار داده‌اند. اما آنقدر این هشدارها نادیده گرفته شد که کار را به برخورد قانونی رساند. شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی تاکنون عوارض آلایندگی به شهرستان عسلویه نپرداخته‌اند. به گفته ناصر بوهندی، رئیس شورای چهارم دهستان نایبند «ده فاز در حال بهره‌برداری پارس جنوبی بیش از ۴۰ درصد گاز ایران را تولید و پالایش می‌کنند اما همین فازها آلایندگی ۳۰۰ برابری استاندارد بر مردم منطقه تحمیل می‌کنند.» به گزارش تهران امروز، بر اساس مشاهدات شاهدان عینی در مقابل تخریب پارک ملی دریایی نایبند که می‌توان بر آن نام میراث ملی نهاد، در روز درختکاری نهال‌های نمادینی در این منطقه کاشته می‌شود! عسلویه حتی اداره حفاظت محیط‌زیست ندارد. ساختمان اداره حفاظت محیط‌زیست عسلویه سه سال است که تکمیل نشده و متروکه مانده است. اما آنچه بیش از هر چیز مردم را آزار داده و سلامتی را از آنان می‌گیرد، بوی گازی است که در منطقه استشمام می‌شود. این در حالی است که براساس گزارش‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۹۱، نه فاضلاب‌های عادی مطابق موازین زیست‌محیطی مدیریت می‌شوند و نه پساب های صنعتی. همچنین بر اثر پخش ذرات معلق مواد شیمیایی مانند اوره و آمونیاک در آسمان عسلویه و همچنین اکسیدهای گوگرد و نیتروژن هوای این منطقه نیز به شدت آلوده است. به همین دلیل بر اساس اظهارات علی‌محمد شاعری، قائم‌مقام پیشین سازمان محیط‌زیست، این سازمان مراتب نگرانی خود را درخصوص وضعیت زیست محیطی و بهداشتی عسلویه به مسئولان وزارت نفت اعلام و این وزارتخانه را موظف به تهیه تمهیدات لازم برای اجرای نظارت زیست محیطی بر طرح های اقتصادی این منطقه کرده است. هرچند هنوز گزارشی از اجرای این تمهیدات ارائه نشده است.

ورزشی
شماره ۷۱۲- یک شنبه۳۱ شهریور ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

افسوس! در فوتبال همه عمر دیر رسیدیم


عبدالمجید اصلانی

قصدم نیست که کسی رادر فوتبال دروغ گو قلمداد کنم ولی روی سخنم با کسانی بوده و هست که با دروغ می خواهند در فوتبال خود را بزرگ ، مهم و موجه جلوه دهند. فوتبال یکی از شفاف ترین یا می شود گفت شفاف ترین پدیده حال حاضر مسایل موجود در شرایط کشور و جنوب ایران است. پدیده ای که آچمز شدنش به این راحتی ها اتفاق نمی افتد. علی کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال یک جمله همیشگی دارد که در مواجه با مشکلات فوتبال به زبان می آورد: «هیچ چیز در فوتبال ایران گم نمی شود و همه مسایل با تمام تدابیر شفاف می ماند.» ادعای او از این جهت درست است که تمرکز رسانه ها بر روی فوتبال زیاد است. در این فوتبال نمی شود به راحتی دروغ گفت گرچه ممکن است در طول یک روز یا یک پریود زمانی دروغ های زیادی هم گفته یا شنیده شود. همه چیز مو به مو زیر نظر است گرچه بازار تکذیب اهالی فوتبال حسابی داغ است اما تکذیب کنندگان هم ته دل شان می دانند که به خاطر مصلحت خودشان یا شرایط تن به تکذیب داده اند.

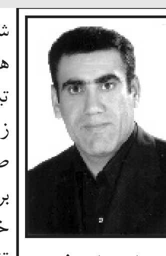
این وعده که در بهمن ۸۹ در استادیوم شهید بهشتی به مردم داده شد یادتان هست: "رییس جمهور در واکنش به شعارهای برخی ها برای حمایت از تیم لیگ برتری شاهین بوشهر نیز گفت: بوشهری ها یک شاهین در لیگ برتر دارند که می درخشد و دولت هم قول می دهد که با مصوبات سفر استانی به بوشهر کاری کند که این تیم بدون دغدغه در لیگ برتر بدرخشد ودر آسمان خلیج فارس به پرواز در بیاید".(تشویق حاضران) الان پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن مصوبات تنها نماینده خلیج فارس در لیگ برتر ایران سقوط کرده و حتا قادر به پریدن در لیگ دسته دوم و رفع تعلیق خودهم نیست .

برخی صحنه‌ها و دیالوگ‌های فیلم قیصر هنوز در اذهان مردم هست مانند "فرمون فرمون که می‌گفتن این بود!" وعده شاهین آسیایی و پارس جنوبی وبه آسمان نیلگون خلیج فارس به پرواز دربیاید این بود؟ به راستی بغل بغل وعده برای توسعه فوتبال بوشهر که می گفتن این بود؟

تازه بعد از سه سال یاد گرفتیم درب استادیوم را روی نسل فردایی های مدرسه فوتبال تو صلح آباد ببندیم. عده ای می خواهند به زور هم که شده وارد فوتبال شوند برخی ها ادعا می کنند عاشق شاهین وعاشق فوتبال بندر نشینان هستند و می روند به شناسنامه آبا اجدادی مراجعه و رونوشت می گیرند که ما زاده تنگستانیم، ما با موتور دو چرخ شادروان تورانی را سرزمین هلالی می بردیم ولی به نام مردم و به نام عشق شان از فوتبال بندر طلب کاریم . کم از فوتبال درس نگرفته ایم ولی تا یادمان هست همیشه مدیران و سرپرستان قابل اتکایی در فوتبال که یک پدیده اجتماعی ست نداشته ایم تا در این روزهای سخت و بحرانی برای چراهای مان پاسخی و برای دردهای مان درمانی کارساز نسخه نماید. افسوس بازهم دردهه ۹۰ دیر رسیدیم.

گپی با استاندار و مدیر کل ورزش و جوانان(۱):

در قربانی شدن شاهین همه مقصرند


رضا سیاهوشی

شاهین قربانی شد و در این ماجرا نیز همه به نوعی مقصر بودند و به این تیم مردمی ، قدیمی و محبوب ضربه زدند ، نبش قبر فراوانی هم بخاطرش صورت گرفت اما هیچ فایده ای در برنداشت ! همه از سخنان تکراری خسته شده اند ولی شاهین چون ققنوس هرگز نمی میرد و نمی توان عشق به شاهین را به راحتی از دل زدود ، همیشه دغدغه ی چه خواهد شد با خود داریم و نگران آینده و وضعیت مبهم و نامعلوم آن هستیم و هماره افسوس که فقط از نام و برند شاهین برای معرفی، شهرت، تحویل پست، ابقاء در پست و... استفاده می شود اما چاره ای اساسی اندیشه نمی گردد؟! حضرات مسئول و به اصطلاح پیگیر با شما سخنی دارم، اما نه سخنی که بوی کینه ، نفرت و انزجار دهد سخنم از سوز دل است و به دنبال چاره اندیشی برای عشق نسلی جوان و پاک و مردمانی خوب و باوقاری هستم که در دیاری سکونت دارند که بسیار غنی و زرخیز می باشد اما خود از همه چیز محرومند !!! چرا؟؟؟

شما جناب آقای استاندار

ابتدا از والی ساختمان استانداری می پرسیم که جناب استاندار چرا دیر آمدید و بسیار زود هم رفتید ؟! بازهم مثل روزهای سخت و بحرانی شاهین که هواداران یک صدا شعار سر می دادند و می گفتند ؛ " مسئولین حمایت حمایت " قدمی برای کمک و بهبود وضعیت این تیم برنداشتید؟ چرا تیمی با بیش از ۶۰ سال قدمت باید چنین روزگاری داشته باشد؟ می دانیم که شاهین از ضعف مدیریت ضربه های مهلکی خورد اما آیا تیم های استقلال و پرسپولیس که از بودجه دولتی و بیت المال بهره مند هستند ، همیشه مدیریت عالی داشتند؟ فراموش نشود که شاهین هم به مانند آنها یک تیم مردمی بوده و هواداران زیادی دارد و این انصاف نیست که بین مردمان نیز فرق گذاشت و تفاوت قائل شد! شاید هم گناه ما این باشد که شهرستانی هستیم و در ورزش هم باید مثل چیزهای دیگر به ما نگاه شود و همیشه چیزهای خوب را در تلویزیون ببینیم و آن هم فقط برای دیگران!! جناب استاندار ؛ این کجای عدالت است؟! آیا هزینه و بودجه برای آنها به هرشکل ممکن و به هر راهی هزینه گردد مجاز است اما برای تیمی مثل شاهین منع قانونی دارد و حیف و میل بیت المال تلقی می شود؟ راستی مگر شماها بارها در سخنرانی ها و در جلسات رسانه ای عنوان نمی فرمایید که ما به دنبال ایجاد امنیت ، نشاط ، شادابی و شعور و شعف در جامعه و بخصوص قشر جوان هستیم و باید زمینه های لازم فراهم نماییم تا ایجاد انگیزه شود؟ چطور و چگونه باید انگیزه لازم را بوجود آورد ؟ خیلی ببخشید، شما با همین عدم حمایت از ورزش و جوانان و خواسته های به حق آنان نه تنها ایجاد انگیزه ننمودید بلکه هیجان و نشاط را هم از بین بردید. خدمات شما در بخش های دیگر و بخصوص در بخش عمران و آبادی قابل تحسین است ، اما با تاسف باید گفت که در بخش های مهم اجتماعی نظیر موارد فرهنگی ، هنری و خصوصا ورزشی بسیار ضعیف و قابل نقد و انتقاد می باشد. در چند روز اخیر هم تعجب کرده بودیم که چرا حالا و به یکباره به فکر کشتی به گل نشسته شاهین افتاده اید؟ ابتدا فکر کردیم که شاید به دنبال حفظ و ادامه ریاست در کاخ استانداری و جلب نظر عمومی و بخصوص جامعه بزرگ ورزش باشید اما به خود نهیب زدیم وگفتیم که چرا باید منفی فکر کرد و قصاص قبل از جنایت کرد، ورود شما به ورزش را به فال نیک گرفتیم و بسیار خرسند شدیم که بالاخره استاندارمان قدم جلو گذاشت تا به ورزش هم سروسامانی دهد اما چه زود امیدمان را نا امید کردید و دردمان را درمان که هیچ ، بیشترش هم کردید! انتظار داشتیم حالا نیز که خواسته یا ناخواسته و شاید هم به سفارش کسانی پا به معرکه شاهین گذاشته اید، مجدانه به دنبال حل و فصل مشکلات آن و خوشحال کردن مردم و بخصوص هواداران شاهین باشید و نه مقطعی ورود کرده باشید. هرچند که اولین راه ممکن برای حل بحران شاهین و رسیدن به آرامش نخست باید با مالک فعلی وی به هرترتیبی که شده تسویه حساب نمود و باشگاه آبرودار و باعظمت شاهین را از او پس گرفت و راه حلش هم این بود که اگر به مانند قبل همکاری لازم ننمود با مدارکی که اعضای سابق هیات موسس در دست داشتند و مدعی پیگیری مجدد پرونده در مراجع قانونی بودند با پیگیری استانداری و خواسته مردم دوباره تقاضای رسیدگی به پرونده شود و چه بسا که با واکاوی پرونده مبلغ پرداختی به وی هم کمتر گردد، سپس با تعیین و تامین بودجه لازم



با طلبکاران باشگاه و به خصوص دوبازیکن خارجی آن که رای فیفا گرفته اند کنار آمد و به نوعی تسویه حساب نمود ضمن اینکه می شد با بهترین راه ممکن با طلبکاران داخلی مذاکره کرد و رضایت آنان نیز جلب نمود و انجام این کار و رفع معضلات و مشکلات شاهین فقط با دخالت و کمک شما امکان پذیر بود و دیگر اینکه اگر واقعا قصد شرکت شاهین در مسابقات داشتید باید مدبرانه برای یک فصل حضور آن در لیگ برنامه ریزی میشد، قطعاً به پشتوانه مردم می توانید شاهین را بال پرواز دهید. اما اگر شما حمایت ننمایید و توپ را در زمین اداره ورزش و جوانان استان بیاندازید یقیناً نتیجه ای حاصل نمی گردد ، زیرا با سابقه ای که از مدیریت ضعیف آن مجموعه داریم هیچ امیدی برای بهبود وضعیت ورزش استان و بخصوص شاهین نمی رود ضمن اینکه آنها نیز قادر به پرداخت هزینه های جاری خود هم نمی باشند چه رسد به حمایت مالی و رفع مشکل شاهین!! اگر هم واقعاً دیگر قصد حمایت و پیگیری مشکلات شاهین ندارید صادقانه به مردم بگویید که چرا از تصمیم خود منصرف شدید و مشکل کجا بود ؟

و اما شما جناب آقای جمشیدی ؛

شاید بجای آمدن به دستگاه مهم ورزش مسیر دیگری انتخاب نموده بودید کارنامه درخشانی داشتید اما متاسفانه در اداره ورزش و جوانان چیز خاصی از شما دیده نشد ، بعنوان مثال در مورد همین تیم شاهین نیز فقط حرف و شعار سر دادید و هرگز کار مثبت و قابل توجه ای انجام ندادید و نه تنها شاهین بلکه تیم های مثل پرسپولیس برازجان، پرسپولیس گناوه ، کارگر بنه گز و هما دیلم نیز به تبعات همان وعده و وعیدهای بی اساسی که به شاهینی ها می دادید و رسانه ای می شد متوقع کردید و در انتظار حمایت و کمک گذاشتید و به علت عدم توجه و عدم مدیریت اداره ورزش وضعیت آنها هم بحرانی و متزلزل شده است. باید بپذیرید ناکامی هایی که در چند سال اخیر بر سر ورزش استان آمد در زمان مدیریت شما بود که جبران آن نیز به این زودی ها کار چندان آسانی نیست. واقعاً جای بسی تاسف است که هر گاه ورود مدیر دستگاه ورزش استان در موردی مشابه وضعیت شاهین دیدیم این قدم ها را خیر ،راهگشا ،مثبت و مهمتر از آن نتیجه بخش ندیدیم. اگر شما بخواهید مثلاً از عملکرد خود در ارتباط با فوتبال و شاهین هم دفاع کنید که اصلاً پذیرفتنی نیست اما در حمایت از ورزش و ورزشکارانی که انفرادی هم فعالیت می کنند موفق نبودید، مثلاً از لیلا رجبی که در مسابقات مهم کشوری، آسیایی و جهانی با کسب عناوین شایسته بارها نام بوشهر را در رسانه های داخلی و خارجی مطرح نمود، چه حمایتی کردید؟ راستی تیم دریانوردان بوشهر که سالهاست با زحمات برادران طبیب نژاد و به سختی اداره و هدایت می شود و خوشبختانه به کرات در لیگ برتر صاحب عنوان بوده ، چرا باید همیشه بخاطر مشکلات مالی شاکی و گله مند باشند؟ ببخشید آقای مدیر؛ شما نه بودجه لازم و ممکن دارید و نه علاقه به تیم داری و ورود به مباحث پیچیده ای مثل باشگاه شاهین و دلیل آفتابی شدن مجدد شما نیز قطعاً دستور از رییس مافوق و شاید هم تلاش گروهی برای بقاء در پست های مدیریتی بود. آقای رییس؛ نام نیک، رفتاروکردار، عمل و جلب رضایت مردم و موفقیت انسان است که ماندگاریش را به ثبت می رساند، شما همیشه فقط ادعای داعیه دلسوزتر از مادر داشتید و خیرتان به ورزش و شاهین نرسید که نرسید و البته حق هم داشتید که بطور جدی ورود نکنید زیراکه هم دنبال دردسر نبودید و هم در بوشهر کمتر به عملکرد یک مدیر توجه و رسیدگی می شود و جای تاخت و تاز باز است!

مسعود باستی و اولین نمایشگاه عکس «هوادار» در بوشهر:

یادآوری خاطرات تلخ و شیرین از فوتبال بوشهر



به گزارش«نیم دری»؛ نمایشگاه عکس «هوادار» به عنوان اولین نمایشگاه عکس هواداران فوتبال در کشور و با موضوع هواداران شاهین بوشهر در گالری سوره حوزه هنری برپا می شود

با مسعود باستی ورزشی نویس و عکاس جوان بوشهری هم صحبت می شویم:

-در ابتدا از رزومه و سابقه هنری خود بگویید

-از سال ۹۰ عکاسی را به طور حرفه ای شروع کردم و نمایشگاه عکس «هوادار» اولین نمایشگاه عکس انفرادی من است. پیش از این نمایشگاه ، در زمینه ورزش فعالیت هایی داشته ام و بار ها برای ورزش بوشهر قلم زده ام.

-نمایشگاهی که شما برگزار کردید با این موضوع اولین نمایشگاه در سطح کشور است ، هدف شما از برپایی این نمایشگاه چیست؟

-هدفم از برگزاری این نمایشگاه یادآور خاطراتی است که قطعا هر فرد فوتبالی یا غیر فوتبالی در بوشهر این خاطرات را در ذهن خودش مرور می کند، خاطراتی که تلخ و شیرین است . با این نمایشگاه می خواهم نشان دهم که سرمایه های فوتبال ما همین هواداران هستند که بدون هیچ گونه چشم داشتی برای موفقیت تیمشان قدم بر می دارند و باید به آن ها توجه شود، باید قدر دان هوادارانی باشیم که در شرایط مختلف در ورزشگاه ها حضور پیدا می کنند. خصوصا هواداران همیشه هوادار شاهین بوشهر که پرواز بی دغدغه این تیم محبوب برایشان آرزو است.

-از آنجایی که موضوع عکس های شما هواداران شاهین است و هم اکنون شاهین مشکلات زیادی دارد، آینده این تیم را چگونه می بینید؟

شاهین یک تیم معمولی نیست و نماد و سمبل ورزش استان و خصوصا فوتبال است ، شاهین در سراسر کشور دوستدار و هوادار دارد ولی متاسفانه به دلایلی سقوط های تلخی را در دو فصل پیاپی تجربه کرده است و امیدوارم با کمک مسوولان استانمان که پایتخت انرژی کشور می باشد، مشکلات این تیم و کل ورزش استان حل شود و با پرواز شاهین شاهد بازگشت شور و هیجان در استان باشیم.

- بعد از این نمایشگاه هدف دیگری هم در این امور دارید؟

- بعد از این نمایشگاه هدف هایی دارم که امیدوارم با حمایت همه جانبه مسئولین محترم استان تحقق بخشد، هدف هایی که باز مربوط به فوتبال این دیار کهن است، یکی از مهمترین اهدافم چاپ کتابی درباره تیم شاهین است.

www.nasimjonoub.com
پایگاه خبری تحلیلی نسیم جنوب
خبرها و مطالب مهم
را روزانه ببینید و بخوانید

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



حکایت ما سه نفر در تاکسی سال ٦٥

یونس قیصی زاده: چند روز پیش که به تهران رفته بودم، به همراه مسافری دیگر در تاکسی طی طریق می کردیم. بعد از اینکه صحبتم با تلفن همراه تمام شد، راننده تاکسی بعد از پرس و جو متوجه شد اهل بوشهرم، وی نیز گفت که اهل تبریز است و از سال ۶۵ به بعد حدود ۱۶ ماه را در جزیره خارگ به عنوان سرباز نیروی هوائی بوده است. در صحبتهایش از بسیجی هایی گفت که در آن سال در آبهای سرکش خلیج فارس و روزهای داغ خارگ، زیر حمله هواپیماهای عراقی آموزش غواصی می دیدند و هنوز در خاطرش از همت و مصمم بودن آن رزمندگان خاطرات زیبایی داشت.

مسافر دیگر بعد از شنیدن این سخنان با ابراز خوشحالی گفت او نیز در همان سال به عنوان سرباز نیروی دریایی در خارگ بوده و از نزدیک آن رزمندگان را دیده و هنوز در خاطرش مانده است.

به مقصد رسیده بودم و در هنگام پیاده شدن گفتم: امروز این تاکسی سال ۶۵ است، چرا که من نیز در میان همان رزمندگانی بودم که برای دفاع از وطن در آن سال در خارگ آموزش می دیدند. سه نفر از سه جا در سه لباس در یک جزیره برای دفاع از وطن و آرمان هایشان.

بعد از خداحافظی پیش خود فکر می کردم که چگونه در هنگامه یورش دشمن، همه ایرانیان با هر اندیشه و فکر و قومیت و زبان و... برای دفاع از وطن و آرمانهایشان در حد توان خود و بدون هیچ چشمداشتی به دفاع پرداختند.

افسوس که سالها بعد بسیاری از همین مردم و مدافعان به بهانه های مختلف، نه تنها قدر ندیدند که غیر خودی هم پنداشته شدند و در این سالها هزینه های بسیاری دیدند و زجر کشیدند.

به یاد شهید علیرضا ماهینی

«فاتح بستان و سوسنگرد» که «تنگه ی چزابه» معراج او شد

دریا می آید تا ساحل نمناک جلالی را در آغوش بگیرد و ناخدا احمد نیز می آید تا فرزندی از دیار دریا را...

علیرضای کوچک چشم های مهربانش را رو به روی دریا گشود تا دریایی از حماسه بیافریند...

سال ۱۳۳۵ بود و بوشهر، گرم از سخاوت دریا. گردونه ی زمان می چرخید و می چرخید و علیرضای شیرین زبان در آغوش خانواده ای که سرمایه ای جز دریای ارادت اهلبیت (س) نداشت، می بالید. مدرسه منتظر گام های او بود، تا فردایی را به عظمت خلیج فارس رقم بزند... هنرستان «حاج جاسم» هنوز چشم های نجیب و مهربانش را در قالب خاطرات خویش به یادگار دارد... تحصیلات علیرضا در هنرستان حاج جاسم با نمراتی به درخشندگی نگاه امیدوار او به پایان رسید. علیرضای جوان بدون کنکور در دانشگاه «علم و صنعت» تهران پذیرفته شد و می رفت تا فردای خود و شهرش را دگرگون سازد، اما فعالیت های سیاسی، او را از ادامه ی تحصیل باز داشت. دانشگاه او انقلاب بود و واحدهای درسیش عشق، ایثار، فداکاری، حق طلبی و عدالت خواهی. این بار دانشسرای عالی «ایران مهر» تهران میزبان وجود بزرگوارش شد و او با سربلندی و افتخار، تحصیلات عالی خود را در رشته ی «الکترونیک» در این دانشگاه به پایان رساند.

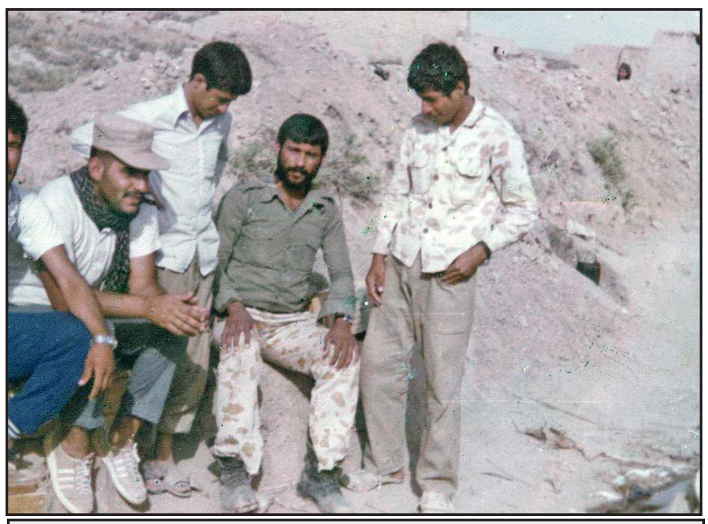
ایران در تب و تاب انقلاب اسلامی، روزهای سرنوشت سازی را سپری می کرد و علیرضای جوان این بار خود را به موج های دریای انقلاب سپرد، چرا که فرزند موج و دریا بود و از دیار حماسه و آفتاب... و همان سالها، روزهای مشق مبارزات چریکی او بود و روزگار او را برای روزهای حماسه پرورش می داد. دوران سربازی را در تهران آغاز کرد و پس



جمعی از رزمندگان بوشهری در گروه جنگ های نامنظم

از اتمام آن همچنان در تهران ماند تا از نزدیک، شاهد به ثمر رسیدن نهال انقلاب باشد. سرانجام، پیروزی انقلاب، آمال و آرزوهای علیرضا را جامه ی عمل پوشاند، اما مبارزه برای او هرگز به پایان نرسید. پیوند او با روحانیت، وفاداریش به اسلام و امام (ره) را به اثبات رساند.

او سرافراز و مصمم به دیار خویش بازگشت تا در کسوت مقدس معلمی، بار دیگر قدم بر سنگفرش های هنرستان حاج جاسم بگذارد. اما آرامش میهن دیری نپایید؛ ایران اسلامی



منطقه صبحانیه ۳۰کیلومتری اهواز - از سمت راست: یوسف بختیاری - شهید علی رضا ماهینی(فرمانده جنگ های نامنظم شهید چمران) ، محمد نورالهی از مشهد، شهید سید احمد غفوری از بوشهر

که روزهای شیرین پس از پیروزی انقلاب را تجربه می کرد مورد هجوم خفاشانی قرار گرفت که چشم هایشان آفتاب را بر نمی تافت...

جبهه های جنوب جوانانی چون علیرضا را به سمت خویش فرا می خواند. علیرضای دریادل، مصمم و پرشور، بار دیگر دل به دریا زد... این بار دریای سرخ شهادت، آشنایی چون او را به انتظار نشسته بود. دریادل قهرمان جنوب، شایستگی های منحصر به فردش را در برابر دیدگان تاریخ به نمایش گذاشت و به رده های بالای فرماندهی ارتقا یافت، آن چنان که سردار عارف مسلک، مصطفی چمران را مجذوب شایستگی های خویش ساخت؛ علیرضای معلم،... فرمانده ی گردان شد و پس از شهادت یار و استاد خویش، دکتر مصطفی چمران، فرماندهی بخشی از ستاد جنگ های نامنظم منطقه ی جنوب را برعهده گرفت.

چونان خورشید، چنان درخشید که او را «فاتح بستان و سوسنگرد» نامیدند... سنگرهای سوسنگرد، هنوز سجده های سلحشور جنوب را به خاطر دارد و «بستان» هنوز تجهدهای علی را از یاد نبرده است... دانشگاه علم و صنعت بار دیگر او را فرا خواند، ولی این فرصت طلایی هرگز بهانه ای برای رها کردن جهاد نبود... پیشنهاد پست های رنگارنگ دنیا علیرضای یکرنگ را از حضور در جبهه ها باز نداشت و او، که چشم به ملکوت داشت، دل به عناوین ناسوت نسپرد... دل در گرو مطالعه داشت و سرفصل مطالعاتش قرآن و نهج البلاغه بود... حقوق ماهانه اش را به حساب صندوق رزمندگان واریز می کرد تا برگی دیگر از صفحه ی زرین روح خدایی اش بی افتخار نماند؛ هرگز مصلحت را فدای احساسات نساخت و از بهره وری های سیاسی گریزان بود؛ جاذبه های روح ملکوتی اش همه را مجذوب خود ساخته بود... و سرانجام «تنگه ی چزابه» معراج او شد به آستان حضرت دوست... خون گرمش خاک چزابه را متبرک ساخت و به برکت خون شهیدانی چون او است که چزابه هنوز بوی عشق و ایثار می دهد...

تولد: ۱۳۳۵/۱/۱ شهادت: ۱۳۶۰/۱۰/۲۳

می رفت به نوح عاشقان پیوندد چون موج به بحر بیکران پیوندد
گفتم به کجا؟ به خنده گفتا: تا وصل، آنجا که زمین به آسمان پیوندد...

چگونه مهندس آزادشهرکی شهردار بندر بوشهر شد



با آرای اعضای شورای شهر بوشهر، شهردار بندر بوشهر انتخاب گردید. به گزارش نسیم جنوب صبح روز شنبه اعضای شورای شهر بوشهر در یک جلسه محرمانه، از میان سه گزینه شهرداری بوشهر، مهندس سعید آزادشهرکی را به عنوان شهردار بندر بوشهر انتخاب نمودند.

غلامعلی میگلی نژاد، مسعود شکوهی و سعید آزاد شهرکی سه گزینه اصلی شهرداری بوشهر بودند که پس از رای گیری اولیه در بین اعضای شورا، غلامعلی میگلی نژاد۳ رای، مسعود شکوهی ۴ رای و سعید آزادشهرکی ۴ رای بدست آورده که در نتیجه شکوهی و آزادشهرکی به مرحله نهائی رای گیری راه می یابند. در مرحله نهائی پس از شمارش آرای اعضای شورا، سعید آزاد شهرکی ۶ رای و مسعود شکوهی ۵ رای بدست آوردند و بدین ترتیب مهندس سعید آزادشهرکی به عنوان شهردار بندر بوشهر انتخاب گردید.

به نظر می رسد که علی اکبر شمسا، زهرا رضائی، خدیجه گرشاسبی، اصغر گورکی، مهرزاد آسایش و نصراله اسدی ۶ نفری باشند که به مهندس سعید آزادشهرکی رای داده باشند. همچنین ندا عبداله زاده، الهام بارگاهی، علیرضا آماره، غلامرضا قادریان و عبدالخالق برزگر زاده نیز ۵ نفری باشند که به مسعود شکوهی رای داده اند.

اولین انتصاب یک بوشهری در وزارت نفت دولت روحانی

یک بوشهری به عنوان ریاست سازمان حراست وزارت نفت منصوب شد. به گزارش نسیم جنوب وزیر نفت طی حکمی هوشنگ ایزدی را به ریاست سازمان حراست صنعت نفت منصوب کرد.

هوشنگ ایزدی از نیروهای بوشهری وزارت نفت است که چندین سال مسئولیت معاونت حفاظت پرسنلی سازمان حراست وزارت نفت را بر عهده داشت و توانست در این مدت، مدیریت قوی و موثری را از خود نشان دهد.

زنگنه وزیر نفت همچنین در نامه ای جداگانه خطاب به علیرضا فخاری از زحمات وی در زمان تصدی این سمت قدردانی کرده است.

تخریب بازار قدیم بوشهر







مصطفی دهدشتیان: دو هفته پیش بر اثر حفاری به منظور ساختمان سازی در پشت بازار قدیم بوشهر، بخشی از آن فرو ریخت و اکنون کلا تخریب شده است.

ظاهرا به احیای بافت قدیم امیدی نیست، به حفظ این بافت ارزشمند هم نباید دلخوش بود؛ اما حداقل انتظار این است تا راهکار لازم برای حفاری در کنار بناهای تاریخی درنظر گرفته شود. متاسفانه اغلب بناهای بافت قدیم بر اثر رطوبت داخل ساختمان، دچار پوسیدگی و آسیب پذیری شده اند و بر اثر عدم نظارت و دقت لازم، بخشی دیگر از بافت هم اینگونه ازبین می رود.

انتظار می رود در دولت تدبیر و امید در خصوص بافت تاریخی بوشهر برنامه و استراتژی مشخصی فراهم شود تا از تخریب ها و بلاتکلیفی کنونی خارج شود.

نیمکت های خالی



غلامحسین دریانورد : از دوازده نفری که در این تصویر می بینید ، یازده نفر دانش آموز بودیم که در دبیرستان های شریعتی و طالقانی بندر گناوه درس می خواندیم . اواسط سال شصت بود که خیلی از ما دانش آموزان این دو دبیرستان برای شرکت در عملیات در پیش در دو سه گروه جداگانه عازم جبهه شدیم و قبل از شرکت در عملیات در اهواز مستقر شدیم . در این عکس تنی چند به دیدار دوستانی که در محل دیگر مستقر شده بودند آمده اند و عکس به یادگارانداخته اند. سال شصت و یک ، نیمکت خیلی از این دانش آموزان در کلاس خالی بود از جمله نیمکت شهیدان: ماندنی محمدی ، ناصر داودی ، عبدالرحیم احمد زاده و بعدها یوسف دشتی که در این تصویر چهره شان را می بینیم تا جایی که یکی از این دو دبیرستان به نام شهدای فتح المبین نام گذاری شد.

هیچ؛ سهم مردم عسلویه از بهره‌برداری‌های نفتی

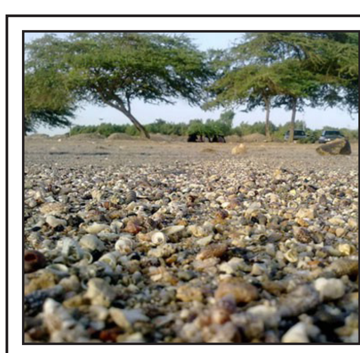


ناصر بوهندی، رئیس شورای چهارم دهستان نایبند در گفت‌وگو با تهران امروز گفت: «آنچه مردم منطقه طی تمامی سال‌ها شاهد آن بوده‌اند، تنها بی‌توجهی است. همه این منطقه را به نام پارس جنوبی می‌شناسند در حالی که مردم این منطقه نیز از این بهره‌برداری‌ها سهمی دارند. اما آنچه تاکنون از فواید این امر نصیب مردم شده، هیچ بوده است و مردم تنها با تبعات زیانبار حضور پارس جنوبی روبه‌رو بوده‌اند.»

وی ادامه داد: «متاسفانه مدیران این منطقه توجهی به مصوبه اشتغال مردم بومی در صنعت نفت ندارند، عسلویه با مشکلات عدیده‌ای در بخش درمانی مواجه است علاوه بر مشکل بیمارستان و پزشک متخصص، نبود داروخانه شبانه‌روزی در کل شهرستان عسلویه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات است.»

بوهندی به نبود مرکز فنی و حرفه‌ای مجهز برای تربیت نیروهای فنی از جوانان شهرستان عسلویه اشاره کرده و ادامه داد: «این موضوع در اهداف اساسنامه‌ای سازمان منطقه ویژه پارس ذکر است اما متاسفانه به دست فراموشی سپرده شده و اقدامی در این زمینه انجام نگرفته است.»

ساحل زیبای شغاب را دریابید



مسئولین محترم شهرداری بوشهر- میراث فرهنگی بوشهر

ساحل شغاب در گذشته یکی از ساحلهای بسیار زیبا و باطراوت و دلپذیر در سطح استان بوده، از شش سال قبل تاکنون بر حسب ظاهر خواستند در شغاب ساحل سازی کنند با این عمل متأسفانه خواستند آب بینی اش را بگیرند چشمش هم کور کردند و میان شهرداری و میراث فرهنگی تحت این عنوان که زمینهای واقع در مغرب شغاب جزء میراث فرهنگی بوده اختلاف به وجود آمده و هیچکدام از هر دو سازمان اقدام به ساحل سازی نمی نمایند.

به خدا و به پیغمبر خدا تا آنجاییکه ما می دانیم و آنهاییکه سنی از آنها گذشته و حتی در زمانی که پدران و مادر، حیات بودند می دانند و می دانستند که غرب شغاب تا پنج متری خانه های مسکونی آب دریا بوده که در زمستان هنگامی که باد شمال بوده و آب دریا بالا می آمده آب به دیوارهای منازل برخورد می کرده، نمی دانیم زیر آب دریا میراث فرهنگی چه چیزی داشته که ما نمی دانیم. لازم به ذکر است که به استحضار مسئولین برسانم که تپه هایی در جنوب شغاب وجود داشت که زیر آن تپه های ماسه ای، کوزه های سفالی سربسته و بعضی از ظروف سفالی وجود داشته که ما هنگامی که در آن قسمت از محل بازی می کردیم آنها را پیدا کرده و می شکاندیم که با استخوانهای کامل اجساد روبرو شده و وحشت می کردیم. که بعداً عده ای افراد به عنوان کارشناس میراث فرهنگی در زمانهای مختلف حاضر و جستجو کردند و تعدادی از اشیاء و کوزه های موصوف پیدا نموده و در حال حاضر یک قسمت آن زمینها شهرداری بوشهر، جمعه بازار شده و همچنین در ایام عید نوروز به نام کمپ مهمانان نوروزی شهید ماهینی معروف است و قسمت دیگر چسبیده به محل کارگاه صنعتی تیرچه و سنگ جدول احداث شده و مشغول به فعالیت است. حال آنچه ما مردم شغاب در بلاتکلیفی قرار داده مخروبه بودن ساحل شغاب می باشد که هر سال که مهمانان می آیند بدتر از سال گذشته شده، می شود.

مسئولین محترم ، از شما خواهشی که داریم این است که ساحل زیبا نخواستیم حداقل آن را از حالت نازیبا و مخروبه درآورید. (از طرف اهالی شغاب)

پول زیاد برای تحصیل رایگان در دبستان بوشهر

شهروند: مشکلات اقتصادی دامن گیر همه است از جمله دولت. ولی آیا حق است همه فشارها بر مردم منتقل شود؟ در محله خواجه های بوشهر دبستانی است که سال هاست که مردم محله خواجه ها دختران و پسران دبستانی و حتی پیش دبستانی خود را به این دبستان می فرستاده اند یعنی غیر از این دبستان دبستان دیگی نیست. الان مسئولان دستور فرمودند برای هر دانش آموز مبلغ سیصد هزار تومان باید بپردازندتا از دانش آموزان ثبت نام شود؟ راستی چه باید کرد؟ دبستان پول می خواهد. تکلیف چیست؟ می گویند اگر پول نمی دهید بروید دواس، بروید جای دیگر. مجبور کردن مردم هم حدی دارد. بنده سه دانش آموز مدرسه ای دارم که با این حساب ناچارم برای تحصیل رایگان دوتا ۶۰۰۰۰۰ تومان در مدرسه تیزهوشان وحال هم سیصد هزار تومان برای دبستان بپردازم. خرج اول مدرسه و کتاب و دفتر و لباس و روپوش و کیف و غیره هم سربار! با این حقوق سه ماه یکبار در سال یک کارگر... بیماری و آب و برق و یه بیماری خاص فرزندم و سه ماه یکبار حقوق! سر کلافه دست کیست؟ برنامه ریزی را ما چگونه انجام بدهیم که خرج فقط خوردن این بچه ها تامین کنیم، بقیه هم بماند.